

وزیرداری کابینه سهیلی و کابینه فعلی در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۲۱ لایحه آت را تقدیم مجلس کرد (آقای محترم در نظر نگرفت که اگر نآذیه ریال بمتفقین محدود نشود وضعیات ما



اینطور میشود که شده است) همه میدانند که دو چیز در ارزش پول کاغذ مؤثر است پشتوانه و حجم آن ؛ قبل از ورود متفقین یا ایران با جدیدی که دولت در امور اقتصادی داشت صد و هشتاد میلیون تومان اسکناس جریان پولی را اداره میکرد ولی پس از ورود آنها حجم اسکناس به هفتصد میلیون تومان بالغ گشت چون قشون متفقین تولید کننده نبود که در مقابل کار و جیبی بدست آورده خرج کند و فقط مصرف کننده و با اسکناس بانگملی خود را اداره مینمود وضعیات اقتصادی ما را متلاشی کرد و قیمت زنده گانی را ۱۰ برابر ترقی داد و چون پول مافوق العاده تنزل کرد و اجرای قرارداد مالی برای متفقین صرف نمیکرد بجای اینکه بناد اوایره و چهار شلینگ بدهند و دوایست و هشتاد ریال بگیرند فولیره و چهار شلینگ در خسار و طلا میخریدند و آنرا در ضرابخانه ما ، سکه میکردند و در بازار آزاد ۵۶۰ ریال یعنی دو مقابل میفروختند این هم خوشبختی ما بود که طلا بغاور میانه میرفت و متفقین احتیاج نداشتند که از ما اسکناس بخواهند و الا قرارداد مالی را ادامه میدادند و ما را یتمام معنی دچار انفلاسیون مینمودند بنا بر آنچه عرض شد بین دولت ایران و متفقین محترم اکنون

### دکتر مشرف تفسیر

غیر از قرارداد مالی که آنها فقط بین ما و دولت انگلیس منعقد شده و متفقین دیگر از آن استفاده نموده اند قرارداد دیگری نیست و مذاکرات بین ما و متفقین که ناشی از این بیمان میشود ناچار باید به حکمیت خاتمه یابد .

راجع با استفاده که از راه آهن نموده اند بحساب من که هیچ اغراق ندارد متفقین محترم با هفتصد میلیون تومان مقروضند ؛ صرف نظر از اینکه راه آهن ما قبل از ورود آنها چقدر بار حمل میکرد و پس از ورودشان بچه مقدار بالغ گردید آنها هر زحمتی که متحمل شده و

### استفاده متفقین از راه آهن

از آن هر استفاده که کرده اند نفع و ضررشان مربوط بخودشان است .

راه آهن در هر روز هزار تن بیشتر حمل نمیکرد ما رساندیم بسیزده هزار تن ؛ بسیار خوب ما حرفی نداریم خوب این استفاده را کی برده است ؟ خود متفقین برده اند ، ما از این استفاده هیچ بهره نبرده ایم حالا ما امروز از متفقین چه میخواهیم ؟ همان راه آهنی را که از ما گرفته اند با تحویل بدهند و اگر اقدامی و اصلاحی کرده اند بنا هیچ مبتنی ندارند . از سال ۱۳۰۷ بعد که لیره ۶۰ ریال قیمت داشت ما ۴۰۰ میلیون تومان خرج راه آهن کرده ایم و بعد از جنگ که قیمت لیره در بازار آزاد چند برابر شده سرمایه ما بعد اقل دو میلیارد است و از هر کس که سؤال کنند در مسائل دیگر از بابت سود و استهلاك این سرمایه چه مبلغ باید

حساب کرد بعد اقل آن را صدی ۶۰ معین میکنند که صدی ۶ از بابت سود و صدی ۴ از بابت استهلاك حساب شود که در هر سال نویسد بمیلیون تومان و برای سه سال و نیم که معین از آن استفاده کرده اند ۷۰۰ میلیون تومان خواهد شد اگر بین توی و مصعب فرق نگذارند و از روی انصاف قضاوت کنند ما بحق خود قائل خواهیم شد ، هرچکس نمی تواند قبول کند که سه ملت بزرگ متفق برای استفاده ای که از راه ایران کرده اند یعنی آن راه آهنی که بزرگترین خدمت را در راه پیروزی آنها کرده است ۲۶ میلیون تومان تاذیه نمایند و بهتر آنست که متفقین محترم ما وجهی را هم که تا اکنون پرداخته اند پس بگیرند و از راه آهن و سیمهای ننگرانی ایران مجاناً و بلا عوض استفاده نمایند ...

در باره :  
**ابنیه متفقین در ایران** دیگرى رمت و مجاناً و بلا عوض در آن سکنی و برای آسایش خود بنائی در آن خانه نمود و بنا درینای موجود اصلاحاتی کرد آداب انسانیت چنین حکم میکند که در موقع حرکت از صاحب خانه تشکر کند و مخارجی که نموده از او مطالبه ننماید (صحیح است) رعایت این قبیل امور مربوطه بدرجه گذشت و سخاوت هر مدت است (صحیح است) و ما انتظار نداریم که متفقین محترم در این مدت سه سال و نیم که از همه چیز مملکت استفاده نموده و وضعیت اقتصادی ما را مختل کرده اند بنا چیزی گذشت نمایند. تاریخ نشان می دهد که ملت ایران همیشه میهمان نواز بوده و مزید امتیاز ما است که از متفقین خود در راه پیروزی آنها از هیچ چیز مضایقه ننمائیم (صحیح است).

متأسفانه اشخاصی که فعلاً یا متفقین محترم مذاکره میکنند و از متفقین  
**و گرایه راه آهن** منافع ایران دفاع می نمایند صلاحیت آن را ندارند که خدمات این مملکت را در راه پیروزی متفقین مانها تذکر دهند و من یقین دارم که اگر درخواست های مشروع و قانونی ما را بانها توضیح دهند با روح عدالتی که در آنها سرع داریم از بذل هر گونه مساعدت مضایقه نمی کنند (صحیح است) در هر مملکت و فتنه بای منافع عالیه مملکت میان می آید مخالف و موافق باهم متفق میشوند چه خوب بود پس از آنکه اینجانب در کمیسیون مضامین و خارجیه که هر دو برخلاف مقررات تشکیل شده بود برویه آقای وزیر دارائی شدیداً اعتراض نمودم و بعضی از نمایندگان اقلیت حاضر در جلسه هم با من از در خارج شدند نمایندگان اکثریت با ما موافقت و آقای وزیر دارائی را از اقدام چنین معاملات نمی نمودند عقیده من این است که بدون تعیین اعتبار و تصویب مجلس شورای ملی دولت نمیتواند بیست و بیست میلیون دلار که نرخ امروز صد میلیون تومان است از بابت لوازم راه آهن و کامیون و ماشین آلات معامله کند (صحیح است) و هر معامله که دولت بدون تصویب مجلس نموده ارزش قانونی ندارد (صحیح است) دولت باید بصورت کلیه اشیاء را ب مجلس بیاورد و مجلس آنچه را که ضروری بداند اجازه معامله دهد چنانچه بدون نظارت مجلس شورای ملی و عدست اشخاص که صلاحیت آنها مورد تردید است معاملاتتی بشود گذشته از اینکه این عمل برخلاف مقررات قانون اساسی است ممکن است برای ملت قروض هنگفتی تهیه کند که جبران ناپذیر باشد. عقیده من این است که دولت باید يك دولتی باشد که شخصیت داشته باشد و وقتی که در مقابل متفقین می نشیند بگوید خوب ملت ایران سه سال و نیم برای پیروزی شما همه جور زحمت کشید ، راه آهن خود را تقدیم کرد ، آنوقت مملکت را فسون شما در اینجا صرف کردند ، به خارج رمت آنچه ما میتوانستیم در حدود امکان کردیم

ما در مقدور انمان بیش از اینکه کردیم نمیتوانیم بکنیم در واقع يك ملت فقیری مثل ملت ایران بیش از آنچه که نسبت به متفقین خودش کرد نمیتوانست بکنند باید يك دولتی باشد که با متفقین صحبت کند بگوید خیلی خوب ما سه سال و نیم برای شما خدمت کردیم نتیجه که شما در مقابل این خدمات ملت ایران دادید چیست؟ آنرا ما بگوییم نتیجه این است که ما ۲۶ میلیون گرایه راه آهن بدهید، راه آهن ما ۴۰۰ میلیون لیره با لیره شش تومانی برای ما تمام شد اول این را عرض کنم که این راه آهن ما راه آهن استراتژیکی بوده و من در این مجلس بکرات و مرات در این باب صحبت کرده و نطق کرده ام و همه آقایانی که در دوره پنجم و ششم بوده اند میدانند که من صحبت کرده ام، بخاطرشان میاید و ورقه بگویم. دادم. من گفتم این راه آهن، راه آهنی است استراتژیکی. دولت ایران اگر راه آهن میخواست بکشد باید راه آهنی باشد که غرب ایران را شرق ایران مربوط کند که ترانزیت هم داشته باشد و مال التجاره و مسافرین اروپا دیگر نباید از بحر احمر و دریای هند بروند به بمبئی بلکه از این راه سه روزه آنها را ببرند به هندوستان ولی راه آهن شمالی و جنوبی ساختند و آن راهی که مفید بود که زاهدان را به غرب ایران متصل کند کشیده نشد و این نظر عملی. نشد و من میدانستم که این خرجی که میشود برخلاف مصالح مملکت است. يك خرجی شد و راه آهن فلفلی را کشیدند بهر صورت ۴۰۰ میلیون لیره به لیره ۶ تومان و بعد که يك قدری واردات مملکت بواسطه مصارف صنعتی ایران ترقی کرد به لیره ۸ تومان خرج راه آهن. کردیم و امروز با نرخ لیره که بعد از جنگ تنزل هم کرده ملت ایران دو میلیارد خرج این راه آهن کرده. خوب این راه آهن در مدت ۳ سال و نیم که متفقین ما یعنی هر سه دولت آمدند استفاده کردند عرض کنم آیا سزاوار است که حالا ملت ایران بگویند ما قراردادی راجع براه آهن. نداریم این وزیرای ما شخصیت نداشتند که در آن موقع یعنی دوزیکه پیمان بسته شد با آنها قرارداد به بندند. یکی از اعتراضات من باین پیمان این بود که پیمان وقتی که از مجلس گذشت تمام وظایف و تکالیف بعد از جنگ ایران را معین نکرد و گفتند بعضی قراردادها بعداً منعقد میشود و فقط قرارداد مالی بود که بسته شد آنهم بشرطی که برخلاف مصالح مملکت بود، آنهم بادولت انگلستان و ما امروز در مقابل متفقین دیگر هم قرارداد عالی. نداریم شما از هر کس پرسید و انصاف بخواهید. بنده خودم، بنده را بکنفر آدم دوتا بولی حساب کنید: در يك خانه ای که بروم و مجاناً ده روز در آنجا بنشینم و آشپزخانه آنجا را بخرج خودم تعمیر بکنم و يك پنجره هم بهش بگذارم وقتی که از آن خانه میروم باید بگویم صاحب خانه پول این پنجره ای را که من ساخته ام بده؟ ابتدا من همچو حرفی نیز تم میگویی، صاحب خانه خیلی از خدمات شما، از انسانیت شما متشکرم این پنجره را من تعمیر کردم و شما تقدیم میکنم و مرخص میشوم، آداب انسانیت اینطور حکم میکنند که يك اشخاصیکه آمدند در این مملکت با ملت ضعیف ایران اینطور معامله کنند نه اینکه آقای بدریایند بگویند آقای دکتر! این امیر آباد را اگر ما ۲۰٪ کم بکنیم و بخریم چطور است؟ خیلی خوب است، بسیار خوب است؛ (خنده نمایندگان) این عراضم بود حالا راجع به پیشنهاد خودم و خیلی خجل هستم و اگر بخواهیم پیشنهاداتی که در لایحه بود و از دهم دولت شده است در آنها بحث کنیم چند روز طول میکشد و مستخدمین دولت که واقعا بیچاره هستند معطل. میانند از آن طرف هیچکس نمیتواند نمایندگان اقلیت را مجبور کند که پیشنهاد ندهند هر کس آزاد است و حق دارد پیشنهاد بدهد و صحبت کند (فاطمی) - اکثریت هم پیشنهاد داده اند) بسیار خوب صحیح است ولی صلاح ما و صلاح مجلس شورایی این است که بیش از

این حقوق مستخدمین که با نهایت درستی و صداقت با این حقوق قلیل دارند خدمت میکنند بیش از این بعهده تعویق نیفتد و مایا کمال افتخار پیشنهاد میکنیم که از یابان مردان و شهرپور دو دوازدهم تصویب شود بعد لایحه دولت و پیشنهادانی که شده بماند تا بیفتند بچریان عادی مجلس و هر کس هر چه میخواهد بگوید و هر کس هر چه میخواهد بکنند اینست پیشنهاد بنده که بوزارت داری اجازه داده میشود که کلیه حقوق و هزینه های وزارت خانه ها و دستگاه های دولتی را برای مرداد و شهریور ۱۳۲۴ در حدود دو دوازدهم اعتبارات مصوب ۱۳۲۳ پرداخت نماید و چون وقت گذشته است استدعا میکنم در این موضوع خیلی صحبت نشود که این دو دوازدهم تصویب بشود آن وقت از مابقی به تخمین در باب برنامه و سایر چیزها صحبت کنیم.

اجازه بفرمائید بنده بر حسب توصیه رفقا و البته وظیفه که دارم برای اینکه حقوق مستخدمین دولت برسد جواب آقای دکتر مصدق را فعلا بتفصیل عرض نمیکنم و فقط دوسه کلمه توضیحا عرض میکنم اولاً اینکه اظهار

پاسخ آقای بدر وزیرداری

تأسف فرمودند که اعتراض به بنده میکنند با سابقه دوستی که با پدرم داشته البته در سیاست این حرفها نیست ولی بنده ندیدم که اعتراضی بر بنده وارد باشد بعلت اینکه اعتراضی که ایشان چه در جلسه کمیسیون بود چه کردند و چه امروز تمام مربوط بدولتهای گذشته بوده است و الان هم کاری این دولت نکرده قراردادی بسته نشده است و الان داریم مذاکره می کنیم ایشان روی چه اعتراض میکنند؟ کمی قرارداد بسته شده؟ فعلا مشغول مذاکره هستیم و البته دولت هم مطابق قانون و اختیاراتی که دارد اقدام خواهد کرد و بعد هم در مجلس دفاع خواهد نمود پس بنده اعتراضی ندیده فقط ایشان بدولتهای قبل از کابینه مرحوم فروغی بعد ناسزا گفتند، بیا هم ناسزا گفتند و مطلبی هم نگفتند بعد هم تشریف بردند که جوابی نشوند ولی متأسفانه با اینکه بنده خیلی میل داشتم تمام مطالب را همین الان جواب بدهم ولی برای خاطر اینکه این دو دوازدهم بگذرد و مورد معطل نشوند بعد در اولین فرصت جواب ایشان را تقدیم خواهم کرد.



وزیر دولت صدر با صدور تصویب نامه بنده و بخشهایی مینمود از آن جمله خیر آباد واقع در ورامین خالصه دولت را با بوطالب شیروانی مدیر روزنامه میهن در مقابل ملک سعیرم واگذار نمود؛ که شرح آن خواهد آمد.

بیانات نمایندگان اقلیت

در پیرامون اوضاع ناصوار کشور

در جلسه پنجم مهرماه راجع بوضع مجلس و اوضاع مملکت آقایان رضا حکمت و مهندس پتاهی قبل از دستور نطقی ایراد نمودند که از مذاکرات مجلس شماره ۱۰۲ صفحه ۶۱۲ نقل میشود:

## نطق آقای مهندس پناهی

چند روز پیش اینجا گفته شد که آذربایجان فقط ۴ نفر وکیل و مدافع دارد بنده خواستم ضمن توضیح مختصری خدمت آقایان عرض کنم که آقای تقه الاسلامی نماینده محترم تبریز تابع احساسات شدند و بهمکاران دیگرشان اجحاف و بی انصافی روا داشتند زیرا بنده با اطمینان خاطر میتوانم عرض کنم که آذربایجان ۴ نفر وکیل ندارد بلکه ۱۳۰ نفر وکیل دارد (صحیح است) زیرا با اینکه اختلاف نظر در مسائل سیاسی بین دودسته اقلیت و اکثریت در این دوسه ماهه بمنتهی درجه شدت خود رسیده و کشمکش و مبارزه صورت بی نهایت جدی بخود گرفت معذالک بنده یقین دارم که اگر خدای نکرده پای استقلال و آزادی کشور بمیان بیاید و منافع اساسی ایران و یا آذربایجان در معرض تهدید قرار گیرد همین مجلس شورای ملی و همین آقایان و کلا یکدل و یکجهت بدفاع خواهند پرداخت و در مقابل خصم هر کس میخواهد باشد صف آرایی خواهند نمود (صحیح است) منافع کشور قابل تقسیم نیست شمال و جنوب و شرق و غرب برای ما یکی است (صحیح است) و یقین دارم هیچ ایرانی شایستگی این عنوان شریف را پیدا نمیکند مگر اینکه از صمیم قلب و باتمام عروق و اعصاب خود فکر کند و بگوید که آذربایجان کانون اصلی و حیاتی ایران است (صحیح است) ما ممکن است در باب انتخاب نخست وزیر باهم اختلاف پیدا کنیم، دسته طرفدار آقای صدر و دسته طرفدار آقای حکیمی و یا آقای قوی زاده و یا آقای قوام باشیم و در راه پیش بردن منظور و فکرمان باهم مبارزه بردازیم و از تمام وسایلی که قانون در اختیار ما گذاشته برای کرسی نشاندن نظرمان استفاده کنیم و باید هم بکنیم زیرا معنای دمکراسی و مشروطه همین است، آنها هم که باین تشنج و اختلاف با نظر بدینی می نگرند و از وضع اداره کشور مأیوس میشوند اشتباه میکنند زیرا لازمه حیات يك ملت زنده کشاکش و جدالت ولی این مبارزه که بنده آنرا دلیل رشد يك ملتی میدانم نباید بخلط تعبیر شود آنها هم که تصور میکنند که آوازی که از حلقوم و کلاهی مجلس بیرون میآید جای دیگر سرچشمه دارد و اقلیت و اکثریت علمدار منافع دیگران هستند بکلی در اشتباهند (صحیح است) اگر ما بر ضد کابینه آقای صدر اقدام کردیم بنظر خود من در این راه محقق بودیم زیرا تصور میکردیم که وضع امروز کشور شخص دیگری را لازم دارد ولی اقدام بر علیه کابینه صدر بیچوجه نباید اقدام بر علیه دولت مشروطه و قیام ملحقانه و ترمیم امورین را در برداشته باشد (صحیح است) اگر و کلاهی مجلس رئیس الوزرای بهتری را بخواهند این مطلب دلیل نمی شود که امنیت و آسایش در بعضی از نقاط کشور از مردم سلب و بحقوق و ناموس آنها تعدی شود (صحیح است) قضایای اخیر آذربایجان حقیقتاً ناسف آور است مثلاً دسته ای اخیراً در تبریز بنام حزب دمکرات آذربایجان تشکیل شده که از دمکراسی فقط باقتباس نام آن اکتفا کرده و مقاصد شوم و تشکیلی راجزء برنامه خود منظور کرده است (صحیح است).

ملت ایران تشکیل این حزب قلابی را با خون سردی نقلی نموده و با اطلاعاتی که از احساسات يك و بی آلاش توده آذربایجان نسبت بسپهن خود دارند کوچکترین تأثیر و اهمیت را برای این قبیل دستجات قائل نیست (صحیح است) و دلیل این کار این است که از سپهن پرستان و معاریف آذربایجان حتی بکنفر در این کار شرکت نکرده (صحیح است) و اگر بنده وقت آقایان را اشغال کردم برای این است که باب سوء تفاهم از همه جهت مسدود-

گردد زیرا در داخله کشور همه کس میدانند که حزب دمکرات آذربایجان یعنی چه (صحیح است) ولی ممکن است خدای نکرده در خارج این عنوان بزرگ جور دیگر تلقی شود. این است که بنده از طرف خود و همکاران معترم خود اعلام میکنم که روح آذربایجانی از این مقاصد بی اطلاع است (صحیح است) و البته اگر اوضاع کشور بحال عادی برگردد بخودی خود این جریانها از بین خواهد رفت (صحیح است) از طرف دیگر راجع بوضع کشاورزان آذربایجان و اختلافات بانک پتشی آمده بنده متذکر این نیستم که اوضاع امروز دنیا ایجاب میکند که ما در روابط طبقاتی کشور تجدید نظر فائق شویم و برای توده زحمت کشی ورنجور وسائل زندگی و آسایش بهتری تأمین کنیم ولی بهترین راه جلوگیری از اصلاحاتی که قطعاً قاطبه ملت طرفدار آنست بهین ترتیب نیست که بدبختانه در بعضی نقاط از طرف احزاب افراطی پیش گرفته شده است، در مملکت مشروطه مردم باید حق خودشانرا از راه قانون و انتخاب و تصحیل رأی بدست آورند (صحیح است) نه از راه قتل و غارت و آدم کشی و ایجاد ترور (صحیح است) زیرا این کارها جز عکس العمل متقابل تولید فقر و انزجار در جامعه تأثیری نخواهد داشت (صحیح است) خیلی عجب است که یکدسته از مردم در این کشور پیدا شده اند که میخواهند از آزادی عقیده و مسلک و حریت کلام و تحریر حد اکثر استفاده را بعمل بیاورند ولی هر جا قدرت و نفوذی بدست می آورند این قدرت را بر ضد آزادی دیگران بکار ببرند (صحیح است) این آقایان از توقیف روزنامه ها و کلوبها و احزاب تاله سرمیکنند و بهیسه کس شکایت می نمایند ولی در تقاضای که خودشان اختیار امور را بدست بگیرند با اجتماع حتی دونه از مخالفین خود مخالفت می نمایند و مدیران جراید و اشخاص مشرب با احزاب دیگر را به جای وطن و اادار می سازند!!! (صحیح است).

مقولین حوادث اخیر تبریز را بنده خوب نمی شناسم و نمیدانم یکدام بخت از دستجات منسوب هستند ولی میدانم که تبعه ایران و فرزندان این آب و خاک بوده اند و از مصونیت هائی که قانون اساسی که با فداکاری همان تیربزیها تصحیل شده و برای اتباع ایران قائل است میبایست بهره مند شوند (صحیح است) تاروژی که قانون در این مملکت تصویب نشده که مطابق آن انتساب بدست چپ یا راست جرم شناخته شود کسی حق ندارد دیگری را بنام داشتن عقاید سیاسی مخالف تنبیه نماید - اگر ادهم نباید با قضاوت شخصی اموال کسی را ضبط و خودش را در خانه اش بقتل برسانند (صحیح است - احسن) آزادیخواهی و حمایت از کارگر نباید جواز آدم کشی بشود (صحیح است - احسن) وظیفه دولت این است که مجرمین این کار را از هر طبقه و سنق بوده اند بی طرفانه تشخیص داده بعضی تنبیه نماید (صحیح است) بدبختانه دو آتی که امروز مصدور کار است باشکال عوفق بجزین کاری خواهد شد! (عده از نمایندگان اینطور نیست) و یقین دارم اقلیت و اکثریت باهم در این باب اختلاف نظر زیاد نداشته باشند ولی بهرحال این دولت و یا هر دولت دیگر که سرکاریاید و مخصوصاً مجلس باید مردم را ملزم نمایند که عقاید اشخاص را معترم بشمارند و آزادی شخصی را با جبر و زور از بین نبرند (صحیح است) اینجا ناچارم عرض کنم که بدبختانه مجلس سر مشق صحیح در این باب برای مردم نیست و جریان مذاکرات صورتی بخود میگیرد که حتی امسال بنده را که خونمردی و مراعات ادب نسبت بنمایندگان معترم را شرط اول همکاری میدانم واداره - گفتن الفاظ دور از راه و رسم معمول خودم می نمایند، بنده یقین دارم که با بعضی دادن و

ناسزا گفتن کارهای منفکت حل نمیشود و اگر در مذاکرات ناگوار و بی نهایت تأسف آور چند روز پیش نامی از بنده هم برده شد بنده هرگز قصد توهمین به اشخاص نداشتم و احترام همکاران خود را و ولیفه و قریضه انسانیت خود میدانم (صحیح است) و بهر حال از پیش آمد آرزو و الفاظی که بر زبانها رفت متأسف هستم (صحیح است) ولی تصدیق بفرمائید که بنده نیز هرگز انتظار نداشتم که نسبت مزدوری اجنبی بنده یادوستانم داده شود زیرا ما همکار و جاسوس اجنبی نیستیم و هرگز نخواهیم شد زیرا معتقدیم که خارجی نمیتواند بیشتر از خود ماها نسبت به مردم این ملک دلسوزی داشته باشد (صحیح است - احسن است) و خرابیهای امروز نتیجه مداخلاتی است که تا امروز بعمل آمده است در اینجا اشتباه نشود بنده مخالف با همکاری ملت ایران با متفقین خودمان نیستم و یقین دارم که سعادت ایران جز از راه تحکیم مبانی دوستی با همسایگان فداکار خود عملی نخواهد شد و خودم ایمان کامل دارم که متفقین مانسبت با ایران احساسات متقابل دارند **مذاقین لندن و دلاوران استالینگراد که بنام دفاع از میهن خود بان تریب عجیب از جان گذشتگی نشان دادند بمیهن دیگران تعرض نخواهند کرد (صحیح است) ولی همکاری ملت و دولت غیر از همکاری افراد است بنده هر کس را که شخصاً با مقامات خارجی ارتباط غیر مشروع پیدا کند خائن میدانم (صحیح است) و امیدوارم خداوند هرگز این تک را نصیب دوستانم و بنده نکند (صحیح است - احسن است).**

رئیس - آقای حکمت .

بنده اغلب قصد و عزم داشتم در مطالب و مسائلی که در مجلس شورای ملی طرح میشود نسبت بامور منسلکت از نقطه نظر وجدانی و تکلیف و کالتی اظهار عقیده بکنم اما متأسفانه قیافه دوره چهاردهم تقنینیه طوری

### نطق آقای رضا حکمت سردار فاخر

بود که حقیقتاً از این عزم غالباً منصرف میشدم زیرا اصل مهم آزادی افکار و عقاید در مجلس شورای ملی که جای بحث و استدلال است رعایت نمیشود، آقایان نمایندگان علاوه بر این که حاضر نیستند عقاید یکدیگر را استماع کنند هیچ ناطقی هم از تعرض مصون نمیسانند (جمال امامی - مخصوصاً از طرف تماشاجی) این است که بنده قبلاً تمنا میکردم اگر عرض بنده با عقیده يك یا چند نفر همکاران محترم موافقت نداشته باشد بنده را مورد تعرض قرار ندهند (فاطمی - کسی حق ندارد) تا بنده عرضم را بکنم (تهرانچی - مقصودشان این است که کسی بین فرمایششان صحبت نکند) بشهادت آقایان محترم بنده از بدو این دوره همیشه سعی کرده ام عاری از هر گونه نظری با نمایندگان محترم و اکثریت مجلس همکاری کنم و با حفظ يك اصل که احترام احزاب و اجتماعات باشد بدون اینکه علاقه بجزب اراده ملی یا تمایلی بجزب نموده داشته باشم روش خود را «انظروالی ماقال ولا تنظروالی من قال» قرار بدهم و حرف حق از دهان هر فرد، هر دسته، هر جمعیت که خارج شده یا بشود از آن طرفداری کرده و میکنم - چنانکه وقتی کلمه «ابدیت» در مجلس گفته شد و دولت آقای ساعد مورد استیضاح آقای مهندس فریور قرار گرفت بنده با اینکه دوستی چندین ساله با آقای ساعد داشتم و ایشان را مرد باسرف و وطن پرستی میدانم از دادن رأی امتناع کردم و همینطور وقتی که جناب آقای دکتر مصدق بیاناتی اظهار فرمودند که منابع ثروت این کشور نباید بدست دیگری داد و باید بدست ایرانی استخراج شود بدون تردید با طرح ایشان موافقت کردم - چندی پیش هم آقای دکتر کشاورز همانطور که اظهار داشتند در آن جلسه

هر کس که بر ضد تمامیت ایران اقدامی بکند دارای شرافت نیست و دارای روح ایرانیست نیست (صحیح است) بنده با نظر تعیین بایشان نگاه کردم - چند روز قبل برای بنده از آذربایجان يك ورقه ای بعنوان «بیانیه قره دمکرات ایران» رسید - آقایان بخوبی میدانند که بعد از خلع محمد علی میرزا از سلطنت و سپری شدن دوره تزاری دو حزب قوی در ایران تشکیل شد یکی بنام دمکرات، یکی باسم اعتدال که هر دوی این احزاب در تحکیم میانی مشروطیت ایران خدمات گرانبهایی کرده اند (صحیح است) مخصوصاً دمکراتها چون تشکیلات منظمی داشتند و افراد با ایسائی داشتند در مقابل مطامع بیگانگان جانفشانی ها و فداکاریهای زیادی کردند (صحیح است) وقتی که حقیقه بنده مرام حزب دمکرات آنروز را که در آذربایجان هم تشکیلات عظیمی داشت و منظور اساسی و هدف اصلی او حفظ استقلال و تمامیت ایران و اجرای اصول عدالت و آزادی و استقرار رژیم مشروطه بود با مرام و شعار این فرقه که امروز تشکیل شده مقایسه میکنم باین نتیجه میرسم که ناچه پایه مسکن است افرادی این - طور رو به پستی و تنزل بروند - اگر آقایان اجازه بدهند من دوجله از این را قرائت میکنم (جسمی از نمایندگان - بفرمائید) «... آذربایجانیان بگویند، طهران بدرد ما تیرسد، احتیاجات ما را نمیتواند تشخیص بدهد، از فرهنگ ما جلو گیری میکند، زبان مادری ما را تحقیر مینماید نیکتارد با هم مبهتان خود با آزادی زندگی بکنیم، با وجود این ما از آنجا قطع رابطه نمیکنیم، از روابط کلی و عادلانه عمومی اطاعت خواهیم کرد، در مجلس شورای ملی و در حکومت مرکزی شرکت خواهیم نمود، زبان فارسی را مثل زبان دولتی در مدارس ملی هر دینف زبان ملی خود تدریس خواهیم کرد ولی این حق را برای خود قائل هستیم که صاحب و اختیار دار خانه خود باشیم و آن را مستقلاً با سلیقه خود اداره بکنیم» (همه نمایندگان - این دست و زبانها را باید قطع کرد) آقایان: آذربایجان مهد آزادی است (صحیح است) و روح شهدا و رادمردانی که از این خاک پاک برخاسته اند و در راه استقلال کشور جانها نثار کرده و سرهاد داده اند و اکنون زیر خاک خفته اند باین قبیل عناصر ناپاک با دیده تحقیر و قورت عی نگرند و لعنت هیرستند (صحیح است - احسن) تمام قطعات کشور عضو لایحه جزای این کشور است (صحیح است) همه مانند حلقه های زنجیر بهم متصل هستیم (صحیح است) هر دست جنایتکاری که بخواند یکی از این حلقه ها را از زنجیر منفصل بکند (جمال امامی - او ایرانی نیست) بر طبق فتوای قاطبه ملت ایران واجب القتل است (صحیح است - احسن) لهجه های محلی، زبان های محلی از قبیل: کردستانی، لرستانی، گیلانی، آذربایجانی سلب ایرانیست از ما نمیکند (صحیح است) ما همه ایرانی هستیم (صحیح است) و زبان مادری همه ما ها هم زبان فارسی است (صحیح است) من امید وارم ایران بزودی دولتی پیدا کند قوی که با اتکاء مجلس - شورای ملی و اکثریت مجلس این نائزه فساد که در اطراف مشتعل شده و دیروز شاید به زنجان رسیده خاموش کند و این نغمه شوم را در حلقوم این خاتین نابود نماید (انشاء الله) مطلب دیگری که میخواستم عرض کنم این است که قریب ۶ ماه است عملاً دولتی روی کار نیست (جسمی از نمایندگان - چرا؟) (تهرانچی - صحیح است) و هیچ کاری هم نشده است، خودمان را که نباید گول بزیم با اظهار تمایل با آقای حکیمی که از رجال آزادیخواه و صالح دوره مشروطیت ایران هستند تصور میرفت امور درهم ریخته کشور با بی غرضی ایشان سر و صورتی بخود بگیرد ولی بعد از بازترده روز ملاکوه و بحث در برنامه مناسبانه تشنج و اختلاف شدیدی در مجلس پیدا شد و ایشان رفتند و الان ۴ ماه است دولتی



روی کار آمده که موفق بگرفتن رأی اعتماد نشده (یکی از نمایندگان - همین الان رأی میگیریم) آقایان همه میدانند در مملکت مشروطه دولتی توانا است که بایند حفظ اصول و متکی بقوانین باشد نه اینکه بزور فشار بخواند حکومت کند - بنده از جریانات تهدید و فشار بمطبوعات و توقیف جراید و وقایع دیگر اظهار تأسف و عدم رضایت میکنم، ملت ایران در این چند ساله در اثر جنگ و توقف نیروی متفقین از ظرفی و از طرف دیگر بواسطه بی - مبالائی و سستی دولتها در اجرای قوانین رسوا، تشکیلات روح و ذنبه ناشناسی و نافرمانی در تمام سران کشور ریشه دوانده، ملت دوچار ابتلائات و محرومیت ها و مشقتهائی شده است و سطح زندگی بطوری بالا رفته (عامری - هزینه زندگی) که جزیرای یت عمده ای از کارمندان نا درست و یا یکدسته از دزدان اجتماعی زندگی برای طبقات دیگر قابل تحمل - نیست و اگر بزودی ما موفق باصلاح این سازمانهای خراب نشویم و اصول تشویق و تنبیه سیاست و یاداش را در مملکت اجرا و عملی نکنیم کارمندان درستکار هم دلسرد شده و از راه راست منحرف میشوند (صحیح است) گمان میکنم همه آقایان هم موافقت کنند که بایند هر چه زود تر سطح زندگی عمومی را باین آورد (جمال امامی - هزینه زندگی) و حد اقل همیشه را برای طبقات زارع و مستخدمین و عموم مردم تأمین کرد. در این موقع مهم که مواجهه باین مشکلاتی هستیم و بهتدیه بنده در تاریخ ایران چنین وضعیتی کم نظیر است - امروز وطن ما بیش از همه وقت فداکاری اولادان خلف و افراد صالح نیازمند است (صحیح است) بنده از آقایان نمایندگان محترم که بحسن نیت همه آنها معترف است دعا میکنم همانطور که همیشه ایرانیان ثابت کرده اند که هر وقت شدائد و سختی برای مملکت پیش آمده است با فداکاری بمقاومت و دفاع برخاسته اند، امروز هم عنوان اقلیت و اکثریت را کنار بگذاریم (صحیح است) و راه صواب و صلاح و طریقه ای که این کشتی را بساحل نجات برساند انتخاب کنیم (صحیح است - آفرین - احسن).

### پاسخ دولت

در همین جلسه آقایان وزیر دادگستری - حسنعلی هدایت (نصر الملک) و وزیر امور خارجه (سپهبدی) و وزیر دارائی (بدر) - نخست وزیر (صدر) و دکتر مصدق بیاناتی نمودند که منتهی باخذ رأی در برنامه دولت گردید و عین مذاکرات بترتیبی که در جلسه شده از صفحه ۶۱۳ تا ۶۱۷ نقل میشود:

نطق وزیر دادگستری  
(آقای جمال هدایت)

چون جناب آقای نخست وزیر، رئیس دولت حضور ندارند و چون بنده از حیث عنوان ظاهری مقدم بر آقایان وزرای دیگر نامم برده شده است، مکلف میدانم خودم را چون ممکن است رأی گرفته شود ساقط هم بشویم (صحیح است) در ضمن از نقطه نظر تاریخ که تبت بشود و نگفته نماند عرایضی بکنم یادداشت هم نکرده ام، لازم دانستم یک چند کلمه ای در میان خانواده خودم یعنی مجلس شورایی و آن نقطه ای که باید نقطه اتکاء ملت ایران باشد بگوید (صحیح است - بفرمائید) در مجلس شورایی در این اواخر متأسفانه تشتت زیاد واقع شده، مذاکرات زیاد شده، یکدسته ای که در این مملکت جز خدمتگذاری کار دیگری نکرده اند و سابقه

خانوادگی آنها و سابقه شخصی آنها کاملاً مشهود و مبرهن است که تمام زندگانی خودشان را صرف خدمتگذاری بوطن خودشان کرده اند و آنچه توانسته اند قدم برداشته اند؛ این اشخاص را متهم کرده اند و گفته اند که این اشخاص شخصیت ندارند، این اشخاص بیایستند، این اشخاص بجای خودشان برخلاف حق نشسته اند، این اشخاص باید بروند و اشخاص صالح تر و اشخاص توانا تر بیایند و جای آنها را بگیرند. بنده باینکه از فرمایشات آقای حکمت قلباً از قضا نظر یک نفر برای شکر گزارم و تشکر میکنم در این قسمت هائی که راجع بملت ایران فرمودند البته تمام افراد ایران با ایشان هم صدا هستند (صحیح است) در عین حال چون يك کلمه ای فرمودند که در حقیقت تصور میکنم که مسجل کردند و این شایسته کابینه آقای صدر را در حقیقت امروز بستند و فرمودند حکومتی که در این چند ماهه آخر بوده صلاحیت حکومت را نداشته است و من که یکی از افراد این حکومت هستم لازم دانستم که در این جا عرض کنم که فرمایش ایشان را خیلی خیلی میسورد دانستم زیرا آقای حکمت از آن اشخاصی نیستند که بگویند افراد این کابینه را نمی شناسند، افراد این دولت را نمی شناسند، ایشان از اشخاصی هستند که کاملاً افراد این دولت را می شناسند. بنده اولاً از قضا قانون اساسی امروز در مجلس شورای ملی خودم را مکلف میدانم عرض کنم که با تمام این حرفهائی که در این مدت زده شده است، این دولت کاملاً قانونی بوده است (صحیح است) زیرا قانون اساسی میگوید عزل و نصب وزراء با شخص پادشاه است (معهد طباطبائی - صحیح است) اصل ۴۶ متمم قانون اساسی - است و من خودم از اشخاصی بودم که در دوره اول به قانون اساسی رأی دادم و خودم بودم در موقعی که ناصر الملک نایب السلطنه بود و فقط از قضا نظر حفظ تراکت که اگر يك رئیس دولتی تعیین شود مبدا از طرف شاه این کار بشود و در مجلس از او يك پذیرائی گرمی نشود این ب مقام سلطنت زنده باشد برای این گفته که اقتضا دارد يك تمایلی هم از مجلس گرفته شود والا در هیچيك از مواد قانون اساسی ابدأ گفته نشده است، من خودم رأی دادم باین قانون اساسی که قبلاً باید بیایند تمایل بگیرند و بیایند رأی اعتماد بگیرند، بردارند قانون اساسی را باز کنید، بمن نشان بدهید، اگر همچو چیزی در آن بود من سر تعظیم فرود میآورم فقط يك موضوعی است که عمل شده است یعنی ملت و دولت توافق کرده اند که آرمونی در کار باشد مجلس شورای ملی و دولت با هم با يك نظر متفق باشند و موافقت داشته باشد و برای مصالح مملکت کار کنند و فقط منظور این بوده است (صحیح است) و امروز موضوعی را که ما قداما... که من هم بایستی رفته باشم پیش معاصرین خودم و ببخود در حیات هستم که این وضعیت را امروز مشاهده کنم خدا خواسته است که اینطور شده است، بلکه نگاهم داشته است که يك موقعی در این جا بگویم آن حقایقی را که تمام ملت ایران دانسته باشد، که تمام ساعاتی را که امروز در مملکت ما داریم میگذرانیم بضرر ما است (صحیح است) بنده رفته ام، بنده امروز نه جاه میخواهم نه جلال نه امارت میخواهم نه حکومت، من فقط امروز يك چیز میخواهم و آن ابرائیت است (صحیح است) و حفظ احترام خانواده دو بیست ساله من، حق ندارد آقای دکتر مصدق اینجا بگوید که این حکومت شخصیت ندارد، کی از من بیشتر شخصیت دارد؟!

من ۴۵ سال در این مملکت سابقه خدمت دارم خدا خواسته که امروز حیات داشته باشم و پشت این میز پیام و خدمت کنم (معدل - انشاء الله) باز هم خواهد ماند) بنده تأسف دارم و متأسفم و بنده تصدیق میکنم با اینکه دولت پنج روز پیش اینجا آمد و گفت تکلیف

مرا معین بکنید چرا نکرديد؟ پريروز گفت رأی اعتماد بمن بدهيد يا ندهيد چرا رأی نداديد؟ بطوريك رئيس دولت رأی اعتماد میخواهد و داخل در دستور ميشوند؟! در كجای عالم اين رسم هست؟ درمیان پارلمان های عالم درمیان مذاكره بحث و مباحثه هم اگر رئيس دولت آمد و گفت كه آقایان بمن رأی اعتماد بدهيد انومانیکسان تمام آن مسائل ميرود کنار و مجلس مكلف است كه رأی بدهد (صحیح است) چرا رأی اعتماد ندهيد؟ (مهندس فریور- ما هم الان میخواهيم رأی اعتماد بدهيم...) علاوه بر این گفتیم ما يك خانواده هستیم ما يك ملت هستیم یعنی ما امروز يك ژاندر كانی مشوش داریم نباید بين ما اختلاف باشد (صحیح است) ما باید همه دست بدست هم بدهيم و برای این مملكت كار بكنيم (صحیح است) خدا میداند كه اگر امروز من بدانم كه در این مملكت خدمت میشود كرد وزارت برای من اثر ندارد حكومت قمر اهرم بمن بدهند قبول خواهم كرد و خدمت خواهم كرد (آفرین- احسن) اشخاص باید وقف باشند در مملكت برای خدمت به مملكت خودشان (صحیح است) فكري را كه نسب كنم فكر خودم است من ميگويم كه اول ما يك جانی را داشته باشیم تا در آنجا محترم باشیم (صحیح است) تا در آنجا شخصیت داشته باشیم (صحیح است) تا در آنجا دست بدست هم بدهيم و كار بكنيم (صحیح است - احسن) من بشااطینان میبدم قبول فرمائید همین وزرانی كه شما ميگويد شخصیت ندارند، همین وزراء كه ميگويد چهار ماه است كار نكرده اند، حكومت شش ماه قبل چه كرد، حكومت يكسال قبل چه كرد؟ (صحیح است) من متأسفانه حال آقای دكتور مصدق را ندارم كه فوراً متأثر شوم (محمد طباطبائی - اشك بر بزم) ... اشكم نمی آید شجاعت دارم علاوه چه خدمتور را این دولت نكرده است؟ بیایم و مفاصحه كنیم و بنجد و مفاصحه كنید بیبید با این موافقی كه ما داشته ایم و با این موافقی كه ما الان داریم، آقایان چستان را باز كنید و آنوقت خواهید دید كه ما صد درصد بلکه میتوانم بگويم صدی ده درصد ما خدمتگذاری كرده ایم (صحیح است) ما همیشه صرف وقت كرده ایم (صحیح است) ما خودمان را هیچ نگاه نكرده ایم، خدای من شاهد است كه امروز من در این مملكت آبا ما چه - كرده ایم، یا يك چیزی باید در كار باشد، ما باید بگفدری منصف باشیم (احسن) من بنام رئيس دولت باز هم قاضا ميكنم كه رأی اعتماد بدهيد، يا ندهيد كه ما برويم بی كارمان (كف زدن متد نايندگان - احسن - احسن).

سيد ضياء الدين طباطبائی - بارك الله آقای نصر الملك . بارك الله

حكمت - بنده توضیحي مطابق ماده ۱۰۹ دارم .

آقای نصر الملك آن چیزی كه لازم بود بتقيده من از طرف آقایان وزراء بد عرض مجلس شورای ملی رسانيدند من هم واقفاً متأثرم - وقتي كه من آمدم در اینجا خدا شاهد است وقتی كه من پست وزارت خارجه

نطق آقای سپهبدی  
وزیر امور خارجه

را قبول كردم كه وارد خدمت بشوم میدانستم اشكالات را همچوقت قبول نمی كردم بیایم اینجا بنام كه وزیر بشوم خدای من شاهد است و همه آقایان میداند كه من برای وزیر شدن نیامده - بودم و هر ساعتی هم كه مایل نباشید - بهیچكس نسبگويم و راهم را ميكشم و ميروم و آقای - دكتور مصدق هم كه نهایت ارادت را با ایشان دارم ولی چون فرمایش ایشان در دل من مانده و عقده ای شده است در توی دل من و من مجبورم كه عرض كنم (جمعی از نشاندگان - نظیر لازم نیست فرمائید ...)

... آقای دکتر مصدق و همه آقایان مرا می شناسند (صحیح است) ... ایشان يك حرفی بن زدند که شایسته نبود (جمعی از نمایندگان - لازم نیست تکرار بفرمایید ...) در کمیسیون که در مجلس شورای ملی تشکیل شده بود سه نفر از وزراء در آنجا بودیم و ایشان يك حرفی در آنجا زدند که تا صبح من خوابم نبرد و خودشان هم میدانند که آن حرفی را که زدند برای هیچکس خوب نبود، حرف را زدند که شایسته نبود منم جزو آن سه وزیر در کمیسیون بودم و این حرف را توانستم تحمل کنم.

... راجع به آذربایجان که امروز گفتگو شد بهتر این بود که چهار نفر از وزرای ما که آذربایجانی هستند، تفاوت ندارد ایرانی هستند (صحیح است) و بهتر از من ترکی حرف میزنند آنها هم می آمدند و در این خصوص حرفی میزدند و صحبتی میکردند اما من چون اطلاعی داشتم آمدم مجلس شورای ملی را از آن اطلاع بخود مستحضر سازم بدینسانه ما دیدیم يك اشخاصی که معلوم نیست کی هستند يك تفکراتی بيك جاهائی که شنیده اند يك عده ای نشسته اند و يك کاری دارند میکنند و برای دنیا دارند صحبت میکنند و کاری کنند آنها هم ضمناً يك تلگرافاتی می کنند (حادثی - خاک به سرشان بکنند ...)

ایشان کشید يك چند تا تلگراف بکنند و این اسباب نگرانی همه آقایان شده است (صحیح است) (جمال امامی - اسباب نفرت شده است) نفرت نگرانی، از جا هر چه میخواهید بگویند (صحیح است) که چرا اینها کی هستند؛ از جانب کی تلگراف میکنند (صحیح است) و من چون وزیر خارجه بودم یا الان هستم تا حالا مجبورم تلگراف کردم به مأمورین خودم که يك چنین تلگرافی بيك اشخاصی میکنند که آن اشخاص معلوم نیست کی هستند و در آن محافل و مجالس آنها را نمی شناسند بيك تلگرافاتی هم خوشبختانه از خارج شد اما دنیا اینطور که اینها تصور میکنند نیست؛ (صحیح است - احسنت) دنیا اینطور که اینها تصور میکنند نیست؛ يك مردمان بزرگی که می نشینند در کارهای بزرگ عالم حرف میزنند باین حرفها گوش نمیدهند (صحیح است) باین پرت و بیلاها که یکی توی خانه شان نشسته است آنهم بيك عبارتی که فارسی و فرانسه اش همه غلط است آنها اعتنا نمیکنند و اهمیتی نمیدهند. (صحیح است) این را من پرسیدم حالا برای اینکه بگوئیم که حرف من بيك کله کم و زیاد شده است من این تلگرافی که در جواب من بيك مرد محترمی داده که آقا اینها کی هستند بيكجا تلگراف کرده اند، میخوانم گفتم مردمان بزرگی که در آنجا نشسته اند و دنیا را میخواهند روی بيك اساس صحیحی قرار بدهند میدانند بیج تلگرافی گوش بدهند و میدانند چه بکنند و چه نکنند (صحیح است) اگر چه چیزی که نمابنده رویترا از آنجا راجع باذربایجان نقل کرده است بقدری که حاکی بوده است ابدأ درش اساسی نمیدادم معذک چون استفسار فرموده بودید چاره جز تعقیق نبود تاچاره مراجعتهای عالیه کردم و موضوع را پرسیدم باعث خنده زیاد حضرات شد بقدری که من خجلت کشیدم (احسنت - خنده نمایندگان) و بطور قطعی بمن اطمینان دادند که اصلاً ذکر کلمه آذربایجان در آنجا نشده است (احسنت - کف زدن حضار).

جمعی از نمایندگان - رأی اعتماد بگیری.

یعنی استبدادی - آقا بنده اخطار داشتم نوبت بنده است (یشت تریبون

رفتند).

**جمعیتی از نمایندگان** - آقای یمن بگذارید رأی اعتماد بگیرند بعد بفرمائید.

**یمن اسفندیاری** - ممکن نیست آقای صدر یک گزارشی فرمودند که در آن اسم بنده برده شده است ایشان رأی نداشته باشند حرف من بیاند. (جمعیتی از نمایندگان - با هیبه) آقای یمن بگذارید برای بعد (تأمل کنید آقا شما اگر مردمانی هستید که عقیده دارید و در عقیده تان ثابت هستید حالا و تبساعت دیگر و یکساعت دیگر فرق نمیکند آقای صدر نخست وزیر در پشت تریبون یک گزارشی فرمودند که اسم من در آنجا بود و بنده حالا تا ایشان نخست وزیر هستم باید جواب بگویم (جمعیتی از نمایندگان با هیبه) - آقای یمن بگذارید بعد، خواهش همه رقبا همین است) آقا بعد دیگر شما هارا کجا ببینیم ؟ (خنده نمایندگان - رأی رأی)

**جمعیتی از نمایندگان** - آقا اعلام رأی بفرمائید.

**رئیس** - تا ساکت نشوید که بنده نمیتوانم حرف بزنم. آقای دکتر مصدق اجازه خواسته اند صحبت بفرمائید (جمعیتی از نمایندگان - رأی رأی).

**یمن اسفندیاری** - هر کس بخواید حرف بزند بنده اول هستم.

**دکتر مصدق** - آقا برخلاف نظامنامه است بنده اخطار قانون اساسی دارم و مقدم بر هر چیز است.

**نخست وزیر** - اجازه بفرمائید البته مذاکره با اختیار مجلس و خود نمایندگان و رئیس مجلس است ولی امروز بنده دو مجلس و بیرون مجلس استدعا کردم که بزودی باید تکلیف دولت را معین بفرمائید که دولت چکاره است و چه باید بکند حالا دو مرتبه آن استدعا را تجدید میکنم.

**رئیس** - آقای دکتر و دو نفر دیگر اخطار دارند و میفرمایند که قبل از رأی باید بگویند.

**جمعیتی از نمایندگان** - رأی رأی

**حاذقی** - ما شما را از ریاست خلع میکنیم.

**دکتر مصدق** - اخطار قانون اساسی بر همه چیز مقدم است.

**رفیع** - آقایان اخطار اول است، آقا بفرمائید حرفتان را بزنید.

**دکتر مصدق** - شما آزادی هر کاری را میخواهید میکنید عقیده من بر این است که هیچوقت اقلیت و مخالف دولت هیچ صحبت نکند، اگر می خواهید ما صحبت نکنیم چرا ما آمده ایم آقا من اخطار قانون اساسی دارم احترام قانون اساسی قبل از همه چیز لازم است !!!

**جمعیتی از نمایندگان** - آقا رأی اعتماد.

**جمعیتی دیگر از نمایندگان** - آقایان اجازه بدهد صحبت بکنند.

**رئیس** - بعضی از آقایان میگویند بگذارید صحبت کنند (بعضی از نمایندگان - رأی رأی) آخر آقا اجازه خواسته اند.

**دکتر معظمی** - بنده اخطار نظامنامه ای دارم.

**رئیس** - بفرمائید.

**دکتر معظمی** - مطابق مقررات مجلس شما میکنم مواظت بفرمائید بگذارند آقای دکتر مصدق حرفشان را بزنند، آقایان یکسال و نیم سابقه دارند اخطار نظامنامه همیشه مقدم است آقای رئیس مجلس اجازه بفرمائید ایشان صحبت بکنند.

رئیس - آقای دکتر مصدق شما مخالفید با رأی اعتماد ؟  
 دکتر مصدق - بعد از عرض بنده قورأرای اعتماد بگیرید .  
 رئیس - بفرماید .

### بیانات آقای دکتر مصدق و پاسخ وزیر دارائی و وزیر دادگستری

بالاخره نماینده اول تهران رشته سخن را بدست گرفته پس از تذکره مواد قانون اساسی راجع بعزل و نصب وزراء، موضوع تصویب نام دولت صدر را راجع بواگذاری خیر آباد و رامین بایوب طالب شیرانی مدیر روزنامه میهن که محرمانه صورت گرفته بود فاش و بیانات منطقی خود توانست از این عمل دولت صدر که بیش از ۷ میلیون ریال بزیان خزانه کشور بود جلوگیری نماید - اینک متن نطق مزبور و جواب وزیر دارائی را از همان شماره مجله مذاکرات صفحه ۶۱۵ در اینجا نقل مینمائیم ...

دکتر مصدق - چون آقای ناصر الملک هدایت که واضع قانون در عزل و نصب وزراء، اساسی هستند فرمودند که «عزل و نصب وزراء با شخص پادشاه است» باید مطالب روشن بنمود و محرز باشد چون يك مطلب که در این مجلس صحبت میشود باید جواب گفته شود که حقیقه مطلب روشن بشود - اینطور فرمودند که «عزل و نصب وزراء با شخص پادشاه است ولی از آنجا که ناصر الملک میخواست يك احترامی با انتخاب شخص پادشاه بگذارد این کار را معمول کرده غیر آقا این اصل قانون اساسی يك اصل تشریفاتی است، برای اینکه وقتی رئیس دولت را شاه معین میکنند وزراء را خود رئیس دولت معین میکنند اگر بنا بود عزل و نصب وزراء با شاه باشد باید وزراء را هم شاه معین کند و رئیس دولت هم دیگر مسئول نباشد - این یکی را که راجع بنصب است ولی راجع بعزل وزراء اصل ۶۷ مینویسد در صورتی که مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با کثرت تمامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منزل میشود» این راجع بعزل وزراء است وقتی که يك نخست وزیری رأی اعتماد بکابینه اش داده شد شاه آن وزراء را نمی تواند معزول کند - باید مجلس این کار را بکند این حق مجلس است (صحیح است)

اما راجع باینکه عرایض بنده را یکطور دیگر جلوه دادند : من  
 وزیر ناصح چه میگویم آقا؟ من از وقتی که این یکسال و نیم آمده ام در اینجا  
 و بدی اوضاع میگویم که هیچوقت وضع مملکت از این بدتر نبوده است شایبند  
 وضعیت مملکت از حیث زندگی ، از حیث فساد اخلاق ، و از حیث  
 ارتشاء ، از حیث هر چیزی که حساب بفرمائید هیچوقت بدتر از این نبوده حالا دولتها کبها  
 بوده اند؟ همین آقایان بوده اند ، آن کابینه جنابالی بودید، این کابینه هم جنابالی هستید  
 آن کابینه شهر پرور ماه دیگری بوده ، بالاخره این وضعیت زاده فکر این وزارت است که در  
 این دوره یکی آمده یکی رفته و باز هم آمده است و باز هم رفته است ، عقیده شخصی بنده  
 این است که باید هیئت دولت از يك اشخاصی که غیر از این وزراء باشند تشکیل بشود و ما

نباید همیشه امتحانات خودمان را روی یک نفر و دو نفر بکنیم، پس است آقا این مملکت منضرب شد، خسارت برد، بدبختی برد، ما باید برای این مملکت يك رجالی تهیه بکنیم، اشخاصی که تا بحال وزیر نشده اند، اشخاصی که تمام معنی حسن نیت دارند باید در کابینه های بعد بیایند بلکه بتوانیم یکمده وزیر پیدا کنیم که در حقیقت قابل باشد، بساینکه مملکت را اداره کنند این اشخاص لایق اینک مملکت را بتوانند اداره کنند نیستند، چرا؟ برای اینکه می بینید وضع مملکت بد است، چرا؟ برای اینکه اگر وضعیت مملکت خوب بود بنده يك تصدیق هم میدادم و آخرش هم میگفتم که آفرین این وزرا هستند که این مملکت را خوب اداره کردند ولی آقا از هر کسی میخواهید پرسید، شما از يك بدبختی که توی کسوفه خوابیده پیرسید که آقا این مملکت خوب اداره میشود، می گوید خدا شاهد است خوب اداره نمی شود.

من دیروز شنیدم که هیئت دولت يك تصویب نامه صادر کرده است تصویب نامه چه بوده است؟ این بوده است که يك شخصی در «سیرم علیا» ملكی را در نوزده هزار تومان خریده است بعد قشقای ها این ملك را تصرف کرده اند، دولت گفته عوض میدهیم، بعد چه چیز را عوض میدهیم

### موضوع تعویض خیر آباد

«خیر آباد و رامین» را چون این شخص این ملك را در ۱۳۱۳ خریده به نوزده هزار تومان آمده گفته است عوض بدهید خیر آباد و رامین را که برای رضاشاه قیمت کرده اند در ۱۳۱۷ به هیجده هزار تومان و این هم نوزده هزار تومان است حالا يك تصویب نامه صادر کرده اند که در مقابل آن نوزده هزار تومان ملك سیرم علیا این ملك خیر آباد و رامین را بدهند. این آقایان این تصویب نامه را صادر کرده اند: تصویب نامه روی چه اصلی صادر شده است؟! يك وقتی يك قانونی آوردند به مجلس برای معاوضه املاک عشایر و تصویب هم نشده است و دولت در صورتیکه حق صدور این تصویب نامه را نداشته صادر کرده است (معتمد طباطبائی - البته حق نداشته است) آنوقت چه کرده، این تصویب نامه وقتی از هیئت دولت رفته است کی جلو این تصویب نامه را گرفته است؟ مجید زاده يك نفر مستخدم درست همان آدمی که در آذربایجان با کار تدین مخالف کرد زیر آن تصویب نامه نوشته است که آقایان شما اشتباه کرده اید، خیر آباد شصدهزار تومان قیمتش است (تمایندگان - احسنت) خیر آباد در ۱۳۲۲ شصت هزار تومان عمل کرده است این را نمیشود با هیجده هزار تومان عوض کرد این رئیس اداره حق شناس، این رئیس اداره درست و وظیفه شناس در مقابل هیئت دولت اعتراض کرده است و رد کرده است (کام بخش - فردا منتظر خدمت میشود) خدا شاهد است اگر این مجید زاده يك مبلغی هم پول میگرفت این کار میگذاشت و میداند، مملکت ما خراب است؟!

دولت ها خراب است باید این دولتها بروند. يك دولتی مطابق بعضی مطالب دیگر مصالح مملکت بیاید خرابی کارهای این دولت یکی و دو تا و سه تا و چهار تا نیست، ما استیضاح میکنیم، ما آدمهایی هستیم بیکار، ما داخل در کار نیستیم، من وقتی که این کارها را می بینم و این حرف مجید زاده را میشنوم تا شخصاً جزئیات آنرا ندانم نمیگویم، الان وزیر دارائی بگوید که کجایش غلط است من آدمی نیستم که حرف غلط بگویم. هزار معامله راجع بجای کرده است! اینها همه هست! من وقتی که در مجلس حرفی را میزنم باید دلیل بگویم، من باید بروم دنبال کار این هیئت دولت را بگیرم (بعضی از نمایندگان - با همبهمه - آقا موضوع جای را بفرمائید) ماسی و

دو نفر بودیم با این دولت که تصور نمی‌کردیم بتواند منافع دولت را حفظ کند مخالف می‌کردیم بعد از آنهم ۱۶ خراز آقایان نمایندگان که خیرخواه هستند از آنجمله آقای هاشمی، آقای تجدد، آقای دکتر معاون، آقای دولت آبادی، آقای نبوی (مهندس طباطبائی - آقا اینها که خارج از موضوع است) (مهندس فریور - بشاچه، بگذار حرفش را بزنند!) این پنج نفر اصالتاً از طرف خودشان و کلاً از طرف پانزده نفر دیگر: آقای شجاع، آقای رفیعی، آقای مجد ضیائی، آقای روحی، آقای دکتر آقایان، آقای اعتمادی، آقای ذوالفقاری، آقای مؤید ثابتی، آقای مرآت اسفندیاری، آقای گیو، آقای سلطانی آمدند ما را دعوت کردند و گفتند شما سی و دو نفر هستید و خود آقای صدر هم بنا قول دادند و گفتند که من سید اولاد پیغمبر هستم، استرحام میکنم، بن ترحم کنید آقا. گفتیم چه بکنیم برای شما، فسر مودند که بیاید آبروی ما را نریزید، حیثیت ما را حفظ کنید (نخست وزیر - آقا من کی این حرف‌ها را زدم!) بیایید به برنامه من رأی بدهید من اگر چهل نفر مخالف داشتم می‌روم و استعفا میدهم ما هم قبول کردیم آنوقت عده ما در مجلسی سی و دو نفر بود، شانزده نفر دیگر هم اضافه شده است میشود چهل و هشت نفر آنچه را که ایشان تعهد کردند و من هم دروغ نمی‌گویم چهل نفر بود و حالا هشت نفر هم بیشتر داریم و الان هم رأی بگیرد اگر آقا ماندند ما از فردا تمام عملیات این دولت را استیضاح میکنیم. اگر دولت يك کار خلاف قانون بکند فوراً استیضاح میکنیم ولی اگر آقا قبول خودشان و فا کردند و رفتند ما با این اکثریت کوچک و اکثریت بزرگ، اکثریت خادم به مملکت ایران هستیم همه باهم متحد میشویم که انشاء الله بقول معروف بتوانیم کشتی این مملکت را بساحل نجات برسانیم و بلکه بتوانیم کاری برای مملکت انجام بدهیم.

بنده دفعه قبل چون جناب آقای نخست وزیر حضور داشتند بنفودم حق دادم که بیایم اینجا و بنام ایشان صحبت کنم ولی این دفعه چون يك راه حلی بنظرم رسید خواستم عرض کنم.

### پاسخ وزیر دادگستری

چون بنده اینطور استنباط میکنم که منظور نظر آقای دکتر مصدق این است که کار این مملکت اصلاح شود. ما هم که همه ما بل هستیم کار مملکت اصلاح شود و تصور می‌فرمایند که قطعاً و قطعاً اینهایی که این جانستند و اندواسشان و زبر است اینها فقط عایق شده‌اند. بنده از طرف خودم و بنام رئیس دولت عرض میکنم که اگر تفوه شود که خدای نکرده کوچکترین آتروا باشد و يك سدی از بودن ما در جلوی پیشرفت مملکت باشد ماهه‌مان حاضر خواهیم شد خودمان را فدا کنیم و بنده فعلاً يك راه حلی پیدا کردم و تصور میکنم که اگر آقایان موافقت بفرمایند تمام اصلاحات مملکت در این است، بنده اینطور فرض میکنم فکری است ممکن است اشتباه بکنم و آقایان ممکن است بنده را از اشتباه بیرون بیاورند عرض کنم بنده نظرم این است که آقایان رأی ندهند به هیئت دولت و دولت ساقط شود ما هم تشکر میکنیم و از این در خارج میشویم و جناب آقای دکتر مصدق قبول کنند ریاست دولت را و آن اشخاص لایقی را که در نظر دارند و آنهایی را که گفتند رجوانهای پاکتی را که در نظر دارند بجای این اشخاص نایک بیاورند و باهم بنشینند و دولت را تشکیل بدهند و مملکت را اصلاح بکنند. اما راجع به موضوع تصویب نامه که فرمودند آقای وزیر دارایی الان توضیح میدهند. (دکتر مصدق - همه اش صحیح است).



### پاسخ وزیر دارائی (آقای بدر)

مطالبی را که آقای دکتر مصدق میفرمایند اغلب یابیشان اطلاع غلط میسرمد یا خدای نکرده میخوانند اظهاراتی بکنند که افکار را متوهم بکنند. عرض کنم خدمتان این تفصیلی را که راجع به اعراض املاک فرمودند اولاً قانون تعویض املاک سابق مدتی است نقض شده و پیشنهادش مجلس آمده و تا تصویب نشود هیچ ملک را در مقابله ملک عوض داده نمیشود این اولاً و اما اینکه فرمودند این بوده است:

پیشنهادی شده است راجع باینکه یکی از املاک قشغانی ها را که آقای شیروانی خریده بودند (حالا تمیدانم آقای روابضشان با شیروانی چه بوده است) این ملک بوده است که سابق املاک قشغانیها را تصرف کردند و میخواهند بفرشند آقای شیروانی به نوزده هزار تومان در هشت سال پیش خریده است املاقی هم خرج کردند و در این مدت زحمت در این ملک کشیده است چون دولت موافق است که املاک قشغانیها بعودشان مسرد شود در نظر گرفته شد که یک ملک مشابه آن و در حدود آن در عوض بدهد یک گزارشی اداره مربوطه داده است و در هبت هم رفته است هیئت وزراء هم نظرشان این بود مادام که قانون از مجلس نگذرد همچو کاری نمیتوانیم بکنیم و بنده هم نوشتم تمام معاوضاتی که صحیح باشد



آقای اسکندر مضمدم  
که بنوک صدر رأی مخالف داد



آقای انار صادقی  
از نمایندگان الحیت ۳۳ قری

یا غلط باشد تا قانون نگذرد و قانون بتصویب مجلس نرسد هیچ کاری نمیشود کرد و موافقت نمی شود.

دکتر مصدق - الان مجید زاده را بفرستید بیاید اینجا تا معلوم شود که من دروغ نمیگویم.

مهندس فریور - خودش تصدیق میکند که میخواسته بکنند منتهی مجید زاده مخالفت کرده است.

وزیر دارائی - اجازه بفرمائید عرض کنم حضورتان تصویب نام صادر شده که املاک را بعد از گذشتن قانون و رسیدگی تعویض کنند (بعضی از نمایندگان پس شده است) تعویض نشده

است (همه نمایندگان - زنك رئیس). آقای دکتر مصدق راجع بجای گفتند (دکتر مصدق - عملیات شاهمه اینطور بوده است).

رئیس - آقای دکتر مصدق اجازه فرمائید حرفشان را بزنند .

دکتر مصدق - بنده استدعا میکنم مجید زاده را بفرمائید بیاید اینجا تا ثابت شود من دروغ میگویم یا ایشان!!

وزیر دارائی - اجازه جای در زمان این کابینه بکسی داده نشده است و اگر اجازه هم داده شده است شاید در زمان کابینه آقای بیات بوده است و تمویض ملکی هم بهیچوجه نشده است و قبل از گذشتن قانون نه تمویض شده و نه خواهد شد و هرچه راهم که آقا راجع باین موضوع فرمائید بنده تکذیب میکنم .

### اخذ رای اعتماد نسبت به هیئت دولت

جمعی از نمایندگان - رای رای

رئیس - آقایان موافقت که رای بگیریم ؟ (گفته شد - بلی) رای میگیریم آقایانی که موافقت ورقه سفید میدهند آقایان مخالفین ورقه آبی میدهند (مهندس فریور - عده حاضر را هم اعلام فرمائید) فعلا عده حاضر ۱۱۳ نفر است (هاشمی - آقایانیکه موافقت ورقه سفید با اسم میدهند) عده ۱۱۴ نفر شد ورقه اگر اسم نداشته باشد محسوب نمیشود.

### اخذ آراء بعمل آمد

رئیس - آقای صادقی و آقای مسودی هر دو می شمارند .

(شماره آراء بعمل آمده ۶۹ ورقه سفید و ۴۰ ورقه کیود و دو ورقه سفید بی اسم شماره شد) .

دکتر مصدق - چهل رأی ما حاضر شد آقای صدر خودشان تکلیف، خودشان را بدانند .

رئیس - عده حاضر ۱۱۴ نفر ورقه سفید علامت قبول ۶۹ - ورقه کیود علامت رد ۴۰ (دکتر کشاورز - يك رأی اشتباه شده است) کجا اشتباه شده است ؟

شماره شد و همینطور است اشتباهی ندارد . بنابراین با ۶۹ رأی اعتماد به هیئت دولت داده شد .

اسامی موافقین : آقایان مرآت اسفندیاری - فرهودی - حاذقی - دکتر آقایان ، خلعتبری ، عماد تربتی ، فرود ، ملایری ، اخوان ، امام جمعه شیراز ، قمرچ الله آصف ، روحی ، پوشهری ، فولادوند ، سانان ، سید ضیاء الدین طباطبائی ، بهبهانی ، دهستانی ، صدریه ، گیو ، مغرب فرمند ، فیروز آبادی ، بین اسفندیاری ، نولیت ، اسعد ، دشتی ، جواد مسعودی ، عباس مسودی ، دکتر کیان ، فرخ ، فاطمی ، دکتر طاهری ، خلیل دشتی ، کاظم جلیلی ، پوررضا ، آریه ، محمد علی مجید ، مؤید تابتی ، ملک مدنی ، سنجدی ، کاظمی ، قبادیان ، ظفری ، جمال امامی ، علی اقبال ، حیدر علی امامی ، ذوالقدر ، صفوی ، ذوالفقاری ، سر تپ زاده ، شایب ، نمازی ، حشمتی ، محمد طباطبائی ، امیر تیمور ، شریعت زاده ، اردلان ، سیف پور ، فاطمی ، معدن ، دولت آبادی ، مجد ضیائی ، دکتر مجتهدی ، دهقان ، دکتر معاون ، اعتماد ، تهرانی ، نجومی ، گله ذاری ، ثقة الاسلامی .

اسامی مخالفین : آقایان فتحعلی ایبکچیان ، مهندس فریور ، دری ، طوسی ، فتوحی ، دکتر ادمش ، رفیع ، مهندس پناهی ، حکمت ، عدل ، افشار صادقی ، مظفر زاده

اسکندری ، تبهوری ، لنگرانی ، عزت الله بیات ، عامری ، دکتر کشاورز ، دکتر معظلی ، اکبر ، خداکار ، طهرانچی ، مقدم ، دکتر مصدق ، اوانسیان ، شهاب فردوسی ، گرگانی ، ذکالی ، دکتر فلسفی ، افغسی ، رحیمیان ، کامبخش ، ایرج اسکندری ، ابوالحسن صادقی ، فرمانفرمایان ، آشتیانی ، صدرقاضی ، بهادری ، پروین کتابادی ، تیورتاش .

ورقه سفید بی امضاء دوبرک

حضرت وزیر - با تشکر از حسن ظن آقایانی که رأی موافق داده اند و باین بنده و باین دولت رأی اعتماد داده اند و موافقت فرمودند میخواستم دوکله عرض کنم و طرف خطاب بنده هم جناب آقای دکتر مصدق هستند . بنده نمیخواهم هیچوقت بدون نزاکت بایشان عرضی کرده باشم و ایشان راه همیشه محترم دانسته و میدانم لیکن توقع دارم که ایشان فرمایشاتشان را تا یک اندازه و بطوری بفرمایند که صحت داشته باشد و اشتباه نکنند اولاً آقا هر چه میخواهند استیضاح بفرمایند، سؤال بفرمایند، خیلی خوب بفرمایند، بنده هم خیلی خوشوقت هستم که آقایان استیضاح بکنند ، سؤال بکنند بلکه دولت بتواند با یک عزم وجد واقعی و کافی کار بکند (صحیح است) و این راهم ضامن عرض میکنم که شخصاً اهل مبارزه نیستم آمده ام کار کنم ، اگر کاریشرفت کرد آقایان هم موافقت بفرمایند همراهی بفرمایند برای مملکت کار میکنیم، مخالفت یا این گفتگوها فعلاً مفتضی نیست . نیت بنده هم این نیست و نمیخواهم یک چنین شهرتی در مبارزه پیدا کنم ، در زندگی خودم اصلاً اهل مبارزه نیستم . اما اینکه فرمودند: بنده استرحام کردم ام - کی بنده استرحام کردم؟ بنده گفتم بمن رحم کنید؟ بنده بزارم از یک چنین کاری، بنده از فلک هم توقع ندارم ، بنده وکیل کارهای مجلس هستم ، اینطور بمن رأی دادید، حالا بنده از حرف مجلس و کالت دارم، هر چه مجلس بگوید اجرا میکنم و امر این مجلس را اجرا میکنم ، میل ندارم نیکنم . توقع چه چیز است ، استرحام چه چیز است ؟ کی بنده همچو عرضی را کردم که بفرمائید ؟ دوم اینکه فرمودند من استعفا بندهم (دکتر مصدق - صحیح است) مطلب این بود وقتی که شما فرمودید که اگر از جهل منجاوز تا جهل و بیبج تا بنجاه رأی مخالف داشته باشید میتوانید کار بکنید؟ گفتم خیر ، فرمودید آنوقت چه میکنید، گفتم که استعفا میکنم - کی گفتم تعهد میکنم ، اگر جهل مخالف داشتم استعفا بکنم ، با آقای طهرانچی یا یکی از آقایان دیگر که صحبت فرمودند گفتم آقا موقع این مملکت موقفی نیست که هر روز دولت بیفتد من برای خودم نمیگویم برای مملکت میگویم بهتر این است که آقایان بنشینند اکثریت و اقلیت (من از هر دو طرف تقاضا میکنم) و توافق کنند و یک شخص دیگری را که مناسب تر و قادر تر برای پیشرفت کار - نمایندگان فراقسیون توده هم بدولت صدر رأی مخالف دادند



آقای کامبخش



آقای ایرج اسکندری



آقای دکتر کشاورز



آقای دکتر فرمانفرمایان

باشد او را انتخاب کند و بنده هم استعفا میدهم، حالا هم همین استدعا را میکنم و خواهش میکنم آقایان نسبت بیک نفر دیگری موافقت فرمایند و بنده را هم معاف فرمایند خیلی هم ممنون میشوم (احسنت - کف زدن حضار)

### در جلسه دهم مهرماه ۱۳۴۴

صدر و وزیرانش در مقابل نماینده اول تهران

از بیانات آقای صدر در جلسه اخیر رأی اعتماد که شرح آن از نظر خوانندگان گذشت معلوم شد که باز میخواهد بکار مشغول باشد و مملکت را بلا تکلیف گذارد، اما دکتر مصدق کسی نبود که بگذارد صدر وعده خلافی کند و باین ترتیب بزمانداری خود که بمصلحت کشور نبود ادامه دهد لذا پی فرصت میگشت که حقایق را با اطلاع مردم برساند

این فرصت در جلسه دهم مهرماه ۳۲۴ حاصل گردید و نماینده اول تهران بعنوان اخطار پشت میز خطابه قرار گرفت و پس از رد اظهارات آقای بدر را جمع بخرید اموال امریکائی ها از وعده خلافی و بدقولی نخست وزیر سخن بمیان آورده و حقایق را علنی کرد. اینک قبلا متن نطق آقای بدر وزیر دارائی و اظهارات آقای سپهبدی وزیر خارجه و آقای صدر نخست وزیر را نقل و سپس نطق نماینده اول تهران را درج مینمائیم (از مذاکرات مجلس شماره ۱۸۶ صفحه ۶۱۹ تا ۶۲۲)

یک عرض دیگر بنده یک عریضی است که در قبلا فرمایشات آقای دکتر مصدق که در جلسه روز چهارشنبه فرمودند بایستی برضی برسانم و بگفتاری هم مفصل است، استدعا میکنم که آقایان توجه فرمایند.

پاسخ وزیر دارائی بنطق  
نماینده اول تهران

در ابتدای بیاناتی که جناب آقای دکتر مصدق در جلسه روز ۴ شنبه فرمودند اظهار تاسفی کردند. تاسف ایشان از این بود که با سابقه دوستی که با مرحوم پدر من داشته اند مجبورند

بقیه نمایندگان فراکسیون توده که بدوات صدر رأی مخالف دادند



آقای صدات



آقای آرداسی



آقای پرویز



آقای هباب فردوس

که بنده را مورد اعتراض قرار دهند منم لازم میدانم که در آغاز این پاسخ نهایت کراهت خود را اظهار بدارم از اینکه بر حسب وظیفه مجبورم مطالبی را که ایشان در جلسه روز چهارم مهر ماه بیان نمودند رد کنم و ثابت نمایم که هیچیک از اعتراضات ایشان وارد نیست.

در همین حال لازم است دو نکته را قبلاً تذکرده‌ام اول آنکه این توضیحات بنده برای آن نیست که در این موقع از تصدی گذشته و یا حال خود دفاع کرده باشم بلکه فقط از این نظر است که مردم از حقایق امر آگاه گردند. من اطمینان دارم وقتی که مردم بی بحقیقت بردند قضاوت آنها بالاترین و صحیحترین قضاوتها خواهد بود، دوم اینکه رد يك اظهاریکه از طرف ایشان شده نباید تعبیر نسبت دروغ شود بلکه همان طور که دولت با کمال بردباری تمام اظهارات ایشان توجه نمود ایشان هم باید يدفاعیکه میشود توجه کنند و قضاوت را بجمع شورای ملی و ملت ایران معول نمایند.

جناب آقای دکتر مصدق پس از قرائت فصول مختلف پیمان سه گانه نتیجه گرفتند. فقط قرارداد مالی که صرفاً در منافع متفقین بوده تنظیم و از مجلس گذشت و راجع ب سایر قراردادها چون متفقین نخواستند و وزیرای ما هم تا امروز که جنگ تمام شده ساکت نشستند و پس از ذکر عبارات زنده نسبت بروی کار آمدن و زراء شرحی در خصوص مضار پیمان مالی بیان کردند که جواب آن يك يك عرض میشود.

راجع به بنده فرمودند: «آقای محترم در نظر نگرفت که اگر تأدیه ریال به متفقین محدود نشود وضعیت ما این میشود که شده است» از جناب ایشان سؤال میکنم که آیا مخارج متفقین در ایران بدست و در اختیار دولت ایران بوده که بتواند میزان آنرا ببلغ معینی محدود نماید؟ آیا متفقین ما مجبور بودند که قیم لازم داشته باشند که بیش از احتیاج واقعی خودشان در ایران بریال خرج کنند و در مقابل طلا بدهند؟ همین دو سؤال کافی است است برای اینکه بطلان ایراد اول ایشان را ثابت نماید !!

جناب آقای دکتر مصدق ترقی قیمتها را در ایران به ده مقابل قیمتهای قبل از جنگ بعلمت فرونی انتشار اسکناس تشخیص داده اند، همانطور که ترقی قیمتها در ایران مسلم است همانطور جای تردید نیست که این امر رابطه با پیمان مالی ندارد وقتی که متفقین با ایران گذاشتند طبعاً در این کشور مضار فی داشته که میبایستی به پول رایج مملکت صورت گیرد و این مخارج اضافی و فوق العاده طبعاً میزان اسکناس رایج را بقادیر کلی بالا برد جلوگیری از ترقی قیمتها بوسیله محدود کردن هزینه متفقین که ممکن نبود زیرا آن در اختیار ما نبود. جلوگیری از ترقی قیمتها راه دیگری داشت که در تمام کشورها بآن عمل کردند و آن تثبیت قیمتها بموجب قانون و جیره بندی کامل کلیه اجناس در کشور بود. نمیدانم جناب آقای دکتر اطلاع دارند که در کشور آمریکا میزان انتشار اسکناس در طول جنگ از ۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰ دلار به بیش از ۳۰ میلیارد رسید یعنی حجم اسکناس از ۴ برابر هم بیشتر شد در صورتیکه قیمت اجناس بیش از ۲۷ درصد ترقی نکرده در سایر کشورها از قبیل انگلستان و آلمان و غیره با اینکه اسکناس رایج چندین مقابل قبل از جنگ شد ترقی قیمتها حتی از کشور آمریکا هم کمتر بود، وقتی کشوری در جنگ است خرج فوق العاده دارد، ایران هم بعد از ورود متفقین جزء مناطق جنگی شد و متفقین مجبور بودند مخارج فوق العاده کنند و از لحاظ موقعیت در مصرف آن مضایقه نمایند. بفرموده فردوسی:

که گوش و کینه و کارزار شود گنج و دینار بر چشم خوار

بنابراین مطابق بهیمنی ازین اصول اقتصادی و بیعتضای قانون عرضه و تقاضا در نتیجه از دیاد مصرف، طبعاً قیمتها رو به صعود گذاشت و بالضروره بر میزان پول رایج کشور افزوده شد. همانطور که این کیفیت در سایر کشورها بدون استثناء عیناً رخ داد.

دولت ایران نه میتواند و نه ایسن وظیفه را داشت که از مخارج متفقین در ایران جلوگیری کند.

دولت ایران فقط يك وظیفه داشت و آن این بود که با وجود وضع خارق العاده ای که پیش آمده و با آن مقدار پول رایج چند برابر بیشتر شده بود قیمتها را ثابت نگاهدارد. یعنی آن اقدامی را بکند که در سایر مسالک بهمین منظور انجام گرفته بود، بدبختانه تشکیلات دولتی ما برای نیل بدین منظور آماده و مجهز نبود و حتی مستشارانی هم که از خارج آوردیم به تثبیت قیمتها و استقرار اصول جیره بندی در کشور موفق نشدند.

اگر جناب آقای دکتر مصدق در عوض اعتراض به پیمان بدم موفقیت دولتهای وقت در اجرای اصول جیره بندی و تثبیت قیمتها ایراد میکردند شاید تا اندازه ای حق داشتند. منتبسی در این مورد نیز میتوان با ایشان خاطر نشان کرد که با وضع کشور توجیه کامل نمی فرمایند و گرنه پیمان چنین ایرادی مبادرت نمی فرمودند.

در این مورد بی مناسبت نمیدانم جمله معترضه ای برض نمایندگان محترم برسانم. جندی پیش موقعی که نخست وزیر چین در تهران بودند از ایشان سؤال کردم بقراری که شبده شده سطح قیمت ها در چین بضرر فوق العاده ای ترقی نموده است مگر شما سیستم جیره بندی ندارید. با کمال تعجب جواب داد. مگر در مملکتی مثل چین جیره بندی بطرفی که در کشورهای اروپا اجرا شده ممکن است عملی شود؟!...

قطع نظر از اظهارات آقای نخست وزیر چین اساساً تثبیت قیمتها و جیره بندی کامل کاری بسیار دشوار است که موجبات و اسباب آن در تمام کشورها بدبختانه فراهم نیست. چنانکه در جنگ ۱۹۱۴ عده زیادی از مسالک راقیه باین منظور نائل نشدند. و در همین جنگ هم اگر مسالک موفقیت حاصل کردند بعلت تجارب گرانبهای بود که از جنگ گذشته بدست آورده بودند و بعضی از آنها چندین سال پیش از آغاز مخاصمات اخیر مقدمات این کار را فراهم ساخته بودند. با این توضیح تصور میکنم اعتراض دوم نماینده محترم نیز رد شده باشد.

آیا جناب آقای دکتر مصدق اطلاع دارند که بچه نعو کشورهای متفق مخارج خود را در کشورهای دیگر برداشته اند؟ آیا مثلاً میدانند که مصارف ارتش امریکا در انگلستان و یا مخارج نظامی انگلیسی در فرانسه و بلژیک بچه نحو صورت گرفته است؟ اگر ایشان در این موضوع تحقیقاتی کرده باشند باید منصفانه تصدیق کنند که شرایط مالی بین ایران و مسالک متفق از هر حیث و بهراتب مساعدتر از ترتیبی بود که دو کشور متفق هم قوه مانند امریکا و انگلیس و یا انگلیس و فرانسه باهم قرار گذاشته اند و بدون هیچگونه رنجشی بآن عمل کردند.

قصه بنده آن نیست که در این موقع وقت مجلس شورای ملی را با شرح نحوه معاملات پولی بین کشورهای مختلف توضیح کنم لازم نیست در این بحث منی توضیحاتی برض برسانم همین قدر میگویم:

اگر جناب آقای دکتر مصدق کشوری را سراغ دارند که با آن متفقین معامله مساعد

نری کرده باشند لطفاً تذکره دهند تا مجلس و عامه مردم از آن آگاه گردند؟ مادر مقابل هر دینار وجهی که متفقین در ایران خرج کرده اند طلا گرفته ایم.

با وجود همین پیمان بود که امروز ما متجاوز از چهار میلیارد و دو صد و پنجاه میلیون ریال طلا داریم و حال آن که در اسفند ماه ۱۳۲۱ فقط یک میلیارد و نه صد و هفتاد یک میلیون ریال طلا داشتیم و در همان تاریخ جمع کل طلا و ارز و اوراق بهادار خارجی به سه میلیارد و ششصد و چهل و شش میلیون بالغ میشد و حال آنکه امروز از هفت میلیارد و سیصد و پنجاه میلیون متجاوز است.

این ارقام فصیح و روشن بخوبی نشان میدهد که در سال ۱۳۲۱ در مقابل چهار میلیارد و ششصد و چهل و هفت میلیون و چهار صد و پنجاه میلیون اسکناس منتشره فقط سه میلیارد و ششصد و چهل و شش میلیون طلا و ارز و اوراق بهادار خارجی داشتیم و امروز در مقابل هفت میلیارد و هفتصد میلیون ریال اسکناس معادل هفت میلیارد و سیصد و پنجاه میلیون ریال طلا و ارز و اوراق بهادار خارجی داریم.

این نکته را هم اضافه میکنم که در تمام مدت جنگ موفق شدیم با نداشتن صادرات بهای کلیه واردات خود را از خارج عمداً بپردازیم و علاوه اتباع ایران امروز میلیون ها ارز در خارج ذخیره دارند که سابقاً نداشتند.

در ابتدای ارتباط مالی ایران و متفقین آقای دکتر مشرف نفیسی یک قرارداد موقتی با ایشان منعقد نمودند که بموجب آن نرخ لیره بصد و چهل ریال تعیین شد بعداً در نتیجه مذاکراتی که با متفقین شد موفق شدم پیمان جدیدی با آنها منعقد نمایم.

حال اگر شخصی مانند جناب عالی سنجیده یا نسنجیده آنرا مورد انتقاد و تخریب قرار دهد بیچوجه در عقیده ای که من نسبت بعمل گذشته خود دارم تغییری وارد نخواهد شد. افتخار عقد این پیمان باینده است و نتایج مفیدی که جامعه ایرانی از آن تحصیل نموده است بعدی است که اینگونه انتقادات کوچکترین تأثیری در ماهیت و حقیقت امر نخواهد داشت.

بنده اطمینان دارم که اگر با دیده انصاف و حق گذاری بدین پیمان توجه شود هر بیننده منصفی تصدیق خواهد نمود که برخلاف نظریه آقای دکتر مصدق پیمان مالی مزبور منافع ایران را به بهترین وجه صیانت نموده و با توجه به تمام جوانب کار عقد پیمان دیگری با شرایط مساعدتر متصور نبود و لول آنکه جناب عالی از طریق استهزاء بنده را متخصص اقتصادی بدانید یا ندانید!

اما اینکه فرمودند: نرخ رسمی لیره کمتر از هشت تومان بوده و بعد از پیمان بسیزده تومان رسیده، خوشبختانه جناب عالی فرمودید نرخ رسمی لیره و لسی منظور را روشن بیان نکردید. درست است که قیمت لیره شش تومان و کسری بود اما این قیمتی بود که دولت اسماً برای خود در نظر گرفته بود و فقط قسمتی از ارز هائمی که از صادرات تحصیل میشد دولت طبق مقررات کمیسیون ارز از صادر کنندگان خریداری میکرد. این قیمت را داشت بیارت ساده تر این قیمت تعمیلی بود - ولی نسبت به معاملات بازرگانی و غیره مطابق ترتیبی که در آن زمان بود لیره از ۱۲۰ ریال الی ۱۷۸ ریال معامله میشد و در بعضی اوقات در بازار آزاد بزحمت با دو بیست ریال بدست می آمد.

من پیش از این در این موضوع نمی توانم توضیحی بدهم. خاطرات آقایان نمایندگان هنوز تازه است و یقین دارم که بصدق این مقال گواهی می دهند.

آقای دکتر مصدق اظهار داشتند که «چون متفقین نخواستند سایر قراردادها را که در پیمان یش یعنی شده بود منقذ نشد و وزیرای ما هم تا امروز که جنگ تمام شده ساکت نشستند» من نمی خواهم راجع بنسایل یا عدم نسایل متفقین در این باب صحبتی کنم. ولی از جناب ایشان میپرسم: چه دلیل و مدرکی را بر اثبات مدعای خود دارند جز این که باید گفت رویه ایشان همیشه تحقیر و تخفیف و حتی توهین بهموطنان خودشانست!!»

من هنوز غمخیزده ام چرا در غالب موارد نماینده محترم نسبت باشخاصیکه وظیفه خود را انجام داده اند منصفانه قضاوت نمیکنند و منظورشان از این اظهارات یاس آور و زنده چیست!!

در سال ۱۳۲۱ یک طرح قرارداد اقتصادی از طرف این جانب تهیه شد و بتصویب هیئت وزیران رسید و از مجرای وزارت امور خارجه سفارتخانه های دول متفق ابلاغ گردید برای اینکه آقایان نمایندگان محترم بدانند که خدمتگذاران او برخلاف عقیده آقای دکتر مصدق ساکت نه نشستند و بانجام وظیفه مبادرت کرده اند اینک طرح پیشنهادی پیمان اقتصادی را که در تاریخ ۱۳ تیرماه ۱۳۲۱ بشماره ۴۶۳۲ از طرف وزارت دارائی که این جانب افتخار تصدی آنرا داشتم تهیه و بتصویب هیئت وزیران رسیده عیناً قرائت مینمایم (چون بنده دهاتم طوری شده است که نمیتوانم بخوانم این است که بعداً در جراید ملاحظه خواهید فرمود) طولی نکشید بعد از ارسال این طرح کابینه که اینجانب در آن عضویت داشتم استعفا داد و در کابینه بعد دیگری در راس وزارت دارائی قرار گرفت. اگر بنده میتوانستم بخدمت خود ادامه دهم مسلماً این قرارداد با کم و بیش تغییری منقذ میگردد ولی همان عواملی که آنروز موجب لرزل و تئیرات پی در پی کابینه ها بود متأسفانه امروز هم باقی است و موجب میشود که کار مثبتی انجام نکرده.

طرح قرارداد مربوطه برای آهمن نیز در تاریخ سال ۱۳۲۲ تهیه شد و پس از مذاکره ای بمسکو ولندن ارسال گردید.

جناب عالی صرفاً بعلت این که چنین پیمانهای رد و بدل نشده عموم متصدیان امور را از شهریور ۱۳۲۰ بعد وظیفه ناشناس معرفی میفرمائید.

من از این که درباره قضایا و امور گذشته با این همه طول و تفصیل بتوضیح پرداختنم همذرت میخواستم منظور این بود که نمایندگان محترم و عامه مردم بدانند خدمتگذار کیست و صرف ادعاهای آقای دکتر و نتیجه ای که هیچگونه باصفری و کسب برای موضوع رابطه ندارد تولید اشتباه در اذهان نکند.

حال میرسیم بموضوع مربوط به معامله اجناس زائد نیروهای نظامی متفقین در ایران اعم از منقول یا غیر منقول.

اگر چه خوشبختانه این موضوع در روز گذشته با حسن توجه کمیسیون ۱۸ نفری که بر حسب تقاضای دولت از طرف مقام ریاست مجلس شورای ملی انتخاب گردید و نظر مساعد متصدیان مربوط دولت امریکا بر تریبی فیصله یافت و با نتیجه توضیح در اصل موضوع که آقایان نمایندگان محترم عموماً از جریبان آن استحضار دارند در این موقع دیگر لازم بنظر نمیرسد لکن چون جناب آقای دکتر مصدق طی بیانات خودشان اشاراتی باین عمل نمودند باز لازم میدانم از سابقه امر چنده دقیقه بیشتر وقت آقایان را بگیرم از دبر زمانی با بنظر طرف دولت مادر این موضوع با متفقین وارد مذاکره شده و مثل هر معامله ای در این مورد هم عقاید و نظریات طرفین باینکدیگر اختلاف دارد و هر یک از دو طرف با ایسان راسخی بحقیقت خود از آنها دفاغ میکند.



بدیهی است اگر اتفاق نظر از روز اول موجود نباشد باید بامدا کره و حسن تفاهم و گفتش متقابل از هر گونه اختلاف قابل تاسفی جلوگیری کرد و به نتیجه مثبت رسید در این کار نیز دولت از لحاظ اهمیت موضوع لازم دید با نمایندگان محترم مجلس در این باب مشورت و تبادل نظر نماید. بهمین جهت در چند روز پیش با جناب آقای طباطبائی رئیس مجلس مذاکره ای بعمل آمد که يك جلسه خصوصی تشکیل شود و این مسئله در آن مطرح گردید روز بعد موضوع در هیئت رئیسه مجلس مطرح و موافقت شد که توسط روسای دو کمیسیون بودجه و خارجه کمیسیون های مزبور تشکیل شود و مطلب با جناب آقای دکتر مصدق، جناب آقای ملت مدنی عرض شد. آقای ملک مدنی که در هیئت رئیسه نیز هستند مسوق بودند و حضور یافتند ولی جناب آقای دکتر مصدق بعلت کسالت مزاج و در خواستند چون عده ای از نمایندگان حضور و شرکت ایشان را در مذاکرات ضروری تشخیص دادند در نتیجه مذاکره آقای فاطمی با ایشان در جلسه حاضر شدند و اجراء سابقه امر از طرف آقایان وزیرای راه و امور خارجه و بنده توضیحاتی داده شد و از طرف جمعی از آقایان نمایندگان اعم از اقلیت و اکثریت نظریات مفید و جالبی ابراز گردید پس از مدتی مباحثه جناب آقای دکتر مصدق بصحبت آغاز کرده بدو اشدت تیر نمودند که چرا کمیسیون خارجه بدون اجازه ایشان تشکیل شده و سپس بدون این که در اصل مطلب اظهاری کنند نسبت به عموم متصدیان امور از شهر یوز بیمه توهین کردند و ناسزا گفتند که تکرار آن در این جلسه برای حفظ حیثیات ایشان و شئون مجلس شورای ملی مقتضی و برآزنده نیست و همان طور که جناب آقای سپهبدی در جلسه گذشته اظهار نمودند اظهارات آقای دکتر قلب هم را جریحه دار نمود، در هر حال بدون اینکه منتظر استماع جوابی بشوند بنمایندگان اقلیت تکلیف خروج از جلسه را کردند که فقط دو نفر از آقایان نمایندگان اقلیت به تبعیت از ایشان از جلسه خارج شدند و بقیه آقایان ماندند و بنده آکره ادامه دادند.

اگرچه این پیش آمد يك محیط فوق العاده متشنج و عصبانی بوجود آورده بود که ادامه کار در آن شرایط آسان نبود معذک بازما وظیفه خود را دنبال کردیم و بسال آخره از طرف آقایان نمایندگان نظریاتی اظهار شد که خلاصه آن این بود که چون موضوع جنبه بازرگانی دارد دولت بواجبیت در حفظ منافع مملکت بهر طریق که صلاح بداند این معامله را بانجام برساند.

در هر صورت بطوری که عرض شد این موضوع در شرف اتمام است و ولی در این موقع بنده وظیفه دار هستم این نکته را بر عرض نمایندگان محترم برسانم که برخلاف آنچه باره چرایند بی اطلاع در این چند روزه نوشته اند اولیاء سفارت و مأمورین فروش دولت متحده امریکا در هیچ مورد دولت را تحت فشار قرار نداده و خارج از انصاف تکلیفی نکرده اند، اگر باره اختلاف نظرهایی که طبیعاً در حین معامله باین مهی پیش می آید رخ داده باشد با کمال حسن نیت اقدام نموده اند و منتظر بنده اگر در این موقع بنده از حسن نیت آنها تشکر نمایم در واقع مترجم احساسات اکثریت بلکه تمام آقایان نمایندگان محترم واقع شده ام.

در این موقع بی مناسبت نیست موضوعی را که جناب آقای دکتر مصدق ضمن خطابه خود بالحنی آمیخته با استهزاء گفتند بعرض آقایان برسانم: چند روز قبل، در یکی از راهروهای مجلس بایکی دوفراز آقایان نمایندگان راجع بموضوع خرید اجناس ارتش متعین صحبت میکردیم. تصادفاً در همان اثناء جناب آقای دکتر مصدق از یکی از اطاقها بیرون آمدند و همین که بنده رسیدند اظهار لطف فرمودند و قدری مکث کردند، از ایشان

سؤال کردم آیا ممکن است جناب عالی هم نظریه خودتان را نسبت به موضوعی که مورد مذاکره ماست بفرمائید؟ جواب دادند: «کلمه و برای من مقدور نیست» عرض کردم: «مطلبن باشید ما از فرمایش جناب عالی اتخاذ سند نخواهیم کرد و مذاکره عارضی نیست، فرمودند: «موضوع چیست؟» گفته شد: مربوط به خرید اموال غیر منقول آمریکاییهاست، اگر ما تمام اموال غیر منقول آمریکاییها را بیزان بیست در صد یا کمتر از قیمت تمام شده خریداری کنیم بطور است، این بود حرف من.

ایشان فرمودند: «من نمیدانم و تشریف بردند».

این را ایشان آن روز در راهرو بین رسیدند و بعد يك همچو صحبتی کردند و مخصوصاً بیست درصد اصل را فرمودند بیست درصد، در صورتیکه این که بنده عرض کردم هشتاد درصد بوده است.

مناسفانه اشخاصی که بمتصدیان امور غالباً سوء ضن داشته اند همیشه بوده اند همه در خاطر داریم موقعی که مرحوم فروغی پیمان سه گانه را به مجلس آورد چه اشخاصی با آن مرحوم طرفیت کردند. حالا ما نشخیزی میدهیم که اقدام آن مرد بزرگ چقدر بواقع و وطن پرستانه بوده است. آقای دکتر مصدق و نقائر ایشان در ابراز عقیده و انتقاد از پیمان معتقدند.

ایشان ضمن بیانات بقید چند قسم اظهار داشتند: اگر عاقبتین پیمان فقط لغت «مجانی» را در پیمان میگویند فلان ما دچار این اشکال نمی شدیم. حقیقتاً انسان از شنیدن این کلام دچار حیرت میشود. لابد آقای دکتر این طور فرض میکنند که نمایندگان دول متفق قلم را برای آن در دست گرفته بودند که آنچه ما تقرر میکنیم بدون هیچ قید و شرطی بنویسند و امضاء کنند! اگر جناب آقای دکتر مصدق سعی می فرمودند که بیش از آنچه ما سراغ داریم کار مثبت انجام دهند مسلماً قدر و کوشش و زحمت مسئولین امور را ادراک می فرمودند و از خدمتگذاران کشور بیش از این تقدیر می نمودند.

**لنکرانی - آقا این حرفها بضرر مملکت است!**

بدر - وقتی که بر علیه من صحبت میشود من مجبورم دفاع کنم.

**لنکرانی - آقا نگو این حرفها بضرر مملکت است - صدای زنك رئیس**

بدر - استدعا میکنم گوش بفرمائید یا منبرت از تخطو بل کلام مجبورم چند جمله دیگر در اصراف لنتی که جناب آقای دکتر در طی انتقادات بشمار خود استعمال کردند عرض کنم. آقای دکتر چندین بار گفتند: «اعضای دولت شخصیت ندارند» و اگر چه ایشان دشنام گفتن را يك امر عادی تلقی می فرمایند ولی بعیده من و همکارانم این نسبت ناروا نباید بی جواب گذاشته شود.

مقصود از شخصیت چیست؟ اگر برای این کلمه يك مفهوم معنوی و اخلاقی قابل شوم باید بگوئیم کسی دارای شخصیت است که واجد خصائل و سجایای متنازه و خانواده باک و احوال و تحصیلات و تجارب و اطلاعات علمی و عمومی باشد.

چنانچه ملاک تعریف ما این باشد من بجز آن می توانم اظهار کنم که شخصیت اعضای دولت امروز از هر يك از اقربان و امان خود اگر بیشتر نباشد بقطع و یقین کمتر نیست و اگر برای این لفظ يك معنای مادی در نظر بگیرند که شرایط آن صرف داشتن القاب جلیل و نیل و تمول سرشار از هر جهت باشد و در حقیقت مترادف شخص و تین باشد بنده اذعان دارم که بینه همکارانم گویا متول ترین آنها میباشم و حال آنکه تمول بنده و خانواده ام

تشکیل میشود از یک خانه مسکونی ، یکقطعه زمین ، دو بارچه ملک موردی ۳ دانگی و ۴ دانگی که مجموع درآمد سالیانه آنها به سی هزار تومان میرسد ولی در مقابل پنجاه هزار تومان قرض مسلم بانکها و اشخاص متفرقه دارم . و البته شخص سایر همکاران من بدین معنی از بنده هم کمتر است بطوری که برخی از آنها خانه مسکونی هم ندارند و جز حقوق دولتی عایدی دیگری بابشان نمیرسد .

**مهندس فریور - میفرمائید اعانه هم برایتان جمع کنیم!!**

**بدر -** با وجود اینکه سنین خدمت اکثریت اعضای دولت فعلی از ربع قرن الی ۴۵ سال است و با این سابقه طولانی حاصل زندگانی آنها اینست که بعرض رسید . حال جناب آقای دکتر میخواهند برای آنها شخصیتی قابل بشوند یا نشوند مختارند آنچه مسلم است کار مثبت و خدمت بوطن و عظمت ایران هدف یکایک آنهاست و اینست اصول شخصیتی که مادنبال آن هستیم .

**فداکار - آقای وزیر دارایی اظهاری کردند که بضرر عملکت است ایشان**

**مدافع متعین شدند!!**

**مهندس فریور -** بنده هم اخطار دارم آقا

**یمین اسفندیاری -** بنده اجازه خواست ام

**فاطمی -** آقای یمین تأمل فرمائید

**یمین اسفندیاری -** آقا چقدر صبر کنم ده جلسه است اجازه میخواهم صحبت کنم

نمی گذارند .

**نایب رئیس -** اجازه فرمائید . آقای وزیر خارجه میخواهند صحبت کنند .

بطوریکه مستحضرید موضوع خرید اموال آرش

امریکا اخیراً سبب شد که در اطراف آن گفتگو هائی

در روزنامه ها شده و عقاید مختلفی راجع بطرز خرید

و فروش آنها بیان نمودند اگر طرز اظهار عقیده بعضی

از آنها طوری بوده است که گله دوستان امریکائی هارا موجب شده باشد متاسفم و یقین دارم

آقایان روزنامه نگاران هم که در اینخصوص بیان عقیده کرده اند هیچوقت در نظر نداشته

که چیزی بنویسند و با مطلبی بگویند که باعث کدورت دوستان عزیز ما باشد (صحیح است)

و من یقین دارم که تمام آقایان با این عقیده شریکند ملت ایران بملت بزرگ امریکا که کمک

های بی پایان برای درهم شکستن ظلم و غلبه برداشتن نموده است با نظر احترام و تحسین

می نگردد (صحیح است) و یقین دارم که این ملت بزرگ در آینده نیز در استقرار صلح و

آسایش به عالم کمکهای بیشمار خواهد نمود (صحیح است) و ما آرزو داریم که روابط

صمیمانه و دوستانه خود را هر روز با کشور امریکا زیاد تر نسازیم (صحیح است) مخصوصاً

میخواهم بیان خوشوقتی نمایم که امروز کشور بزرگ امریکا در ایران بوسیله سفیر کیبری

با معرفی شده که از دوستان قدیم ایران (صحیح است) و در هر موقعی این دوستی و محبت

خود را بی ریا بانشان داده است و همین خود امری است که ما بهتر میتوانیم بقصود اصلی

خودمان که تشدید و تحکیم روابط دوستی بین طرفین میباشد موفق شویم .

نکت ای را که میخواهم خاطر نشان کنم موضوع بسته نشدن قرارداد بین ایران و امریکا

و تعیین وضعیت قشون آن کشور در ایران میباشد که شاید اغلب آقایان علاقه بدانستن آن -

دارند علیهذا چند کلمه در اینخصوص بعرض می رسايم- در بدو امر دولتهای وقت خواستند تعیین

**بیانات آقای وزیر**

**امور خارجه**

بیانات وزیر امور خارجه  
 همان قرارداد که بامتقین دیگرمان داریم یعنی همان پیمان سه گانه را با امریکا هم منعقد نمائیم ولی آنطور که من اطلاع پیدا کردم گفته شد تصویب این نوع قرارداد مربوط به مقررات داخلی خاص امریکا است که تصویب آن بعید بنظر میرسد. بعد از طرف دولت امریکا بما قراردادی پیشنهاد شد که قبول شرائط آن محتاج بنذا کره بود و بسا امور خودمان درواشنگتن دستورالعمل داده شده بود که در تغییر بعضی از مواد آن گفتگو نباید. این جریان چندی بطول انجامید و کار بتعمیق افتاد تا وقتی که جنگ در شرف اتمام بود آنوقت مطابق آنچه که بنده از سوابق بدست آوردم مأمور ما درواشنگتن اینطور اظهار عقیده نموده که نظر بروابط حسنه که بین ایران و امریکا موجود است بچالنا دیگر احتیاجی بذکر شرائط و نوشتن قرارداد خاصی (لنکرانی - خیلی مرحمت فرمودند!) و با حسن نیت کاملی که بین طرفین موجود است هر حاجتی که پیش بیاید بموقع حل و تسویه میشود (لنکرانی . به به!) من هم امروز برین عقیده هستم که روابط دوستی بین این دو کشور بقدری مستحکم و پایدار است که این گفتگوهای کوچک مربوط بخرید و فروش هیچوقت نمیتواند کوچکترین تاثیری در آن داشته باشد و همینطور هم هست (صحیح است)

آقای رضا تجدد



این دو نماینده با آقای حاشمی با وجودیکه در اکثریت بودند از دادن رأی موافق بدولت صدر امتناع کردند

نخست وزیر (آقای صدر) - بیانات آقای نماینده محترم ، جناب آقای وزیر راه جواب خواهند داد ولی این قسمت را بنده لازم است عرض کنم که هنوز هیچ کاری در این باب نشده ، امریکائی ها بهیچوجه اولنیماتوم نکردند ، صحبت کردند ، پیشنهاد کردند که اگر اینها را میخواهید بردارید ، باندازه که میخواهید بردارید ، ما تعلق کردیم یعنی تعلق هم نکردیم (بخنده بعضی نمایندگان) یعنی منتظر سؤالی و جواب شدیم یکقدری تأخیر شد ، در اتخاذ تصمیم تأخیر شد و آقایان هم میدانند چرا و بچه جهت هست ، این تأخیر سبب شد که آنها گفتند بازودتر جواب بدهید - این را نمیخواهم عرض کنم ، حالا جواب مفصل خواهند داد حالا لایحه ایست تقدیم میکنم برای جناب آقای فرخ مأموریتی در نظر گرفته شده است و قانون اجازه نمیدهد قبل از سه ماه یعنی بعد از سه ماه باید قبلا استعفاء کرده باشند نمیتوانند شغلی قبول کنند ، این لایحه را تقدیم میکنم نظر با احتیاج مبرمی که باین مأموریت هست تقاضا میکنم که آقایان تصویب فرمایند که اشکالی وجود نباید . باقی دو فوریت .  
 بعضی از نمایندگان - بخوانید .

## بیانات نماینده اول تهران

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق بفرمائید .  
 دکتر مصدق - بنده در این مجلس بدو نفر متخصص اعتراض کردم ، یکی از آنها در روزنامه از گان خودش بمن جواب داده که بنده در اینجا نیخوانم - مرا مشوق یگانگان بداخله در امور داخلی ایران قلمداد کرده !!! بنده باین قبیل جرایم که برای حمایت منافع اشخاصی در این مملکت تأسیس شده بهیچوجه اهمیت نمیدهم و هیچ جوابی هم ندارم بنده برای تشویق یگانگان در این مجلس نیامده ام بنده برای جلوگیری از یگانگان و برای دفاع از حقوق ملت ایران باین مجلس آمده ام (صحیح است) بنا بر این این روزنامه یکجورق پاره است و هیچ جواب ندارد و برای این قبیل روزنامه ها هیچ قدر و قیمتی قائل نیستم - اما راجع بفرمایشات جناب آقای بدر ، جناب آقای وزیر دارائی از خودشان و از دولت دفاع کردند و لایحه راهم که تقدیم کردند گذشته از اینکه بنده گوشم نمیشود اگر حقیقه گوشم هم میشنید بقدری مفصل بود که در خاطر من نماند و بعضی چیزهاش را که شنیده ام حالا جواب عرض میکنم البته بطور اختصار اولاً ایشان در آنجا يك حساب - هائی نوشته بودند بنده بآن حساب ها هیچ ترتیب اثر نمیدهم زیرا در چند روز قبل که در همین مجلس از آقای پدر سؤال کردم صورت اشیاء متعلق بامریکائیها را که دولت در نظر گرفته است خریداری کند بفرودت لازم است برای بنده بفرستید ، ایشان مرقوم فرمودند که «متأسفانه صورت فعلاً نزد بنده نیست ولی اقلام آن تقریباً بقرار ذیل است: اشیاء واه آهن وواگون در حدود ۱۳۰۰ ، لکوموتیو در حدود ۸۰ عدد، سایر اشیاء که قیمت آن در حدود ۸ میلیون دلار برآورد شده است ، معادل ۲۷۰۰ کامیون و مقداری اشیاء بدکی که قیمت آن در حدود ۱۰ میلیون دلار تعیین شده ولی گراف است و در موقع فروش گستر خواهد بود ووا در حدود ۱۸۰ هزار دلار ماشین آلات در حدود ۳ میلیون یا چهار میلیون دلار « این شرحی است که ایشان مرقوم فرموده اند و ۱۰ میلیون دلار (خط خودشان پهلوی بنده است) عرض کنم که در خصوص کامیونها آقای وزیر مرقوم فرموده بودند « ۱۰ میلیون یعنی ۲۷۰۰ کامیون را ما به ده میلیون دلار بخریم » وقتی بنده حساب کردم دیدم هر کامیون ۳۵۰۰ دلار که بنرخ دلار امروز ۲۰ هزار تومان میشود، گفتم عجب این کامیونهای مستعمل را ما یکی ۲۰ هزار تومان بخریم ؟ برای چه بخریم ؟ همین مسئله سبب شد که روزنامه هاهم سوء تفاهم کردند بنده یقین دارم که روزنامه های ایران هیچوقت مسامحت ها و همراهی های دولت و ملت امریکا را فراموش نمیکند (صحیح است) فقط همین یادداشت ایشان سبب شد که هم ماننایندگان سوء تفاهم بکنیم و هم روزنامه ها سوء تفاهم بکنند ولی ایشان وقتی که در کمیسیون تشریف آوردند پرسیدیم که کامیون ها چند قیمت شده است گفتند که هفتصد تایش را بردند و برای ۲۰۰۰ تایی دیگر که باقی مانده است ۷۰۰ هزار دلار قیمت معین کرده اند آنوقت برای ۲۷۰۰ تا ۱۰ میلیون فرموده بودند و حتی ما حساب کردیم دیدیم تقریباً ۲۰۰۰ کامیون به ۷۰۰ هزار دلار یکی ۳۵۰ دلار می افتد و غیر از ۳۵۰۰ دلار است از این جهت است که وقتی يك وزیر دارائی که مسئول مجلس است يك صورتی بنده داده است و يك حایكه بخط خودش نوشته است بنده که وکیل مجلس هستم آخر این روزنامه ها از کجا باید کسب اخبار کنند ؟ بتواند که نباید بآنها برسد ، يك کسی از آقای وزیر دارائی بشنود « آنوقت یکی دیگر بگوید ، آنوقت دیگری هم بگوید که این خبر از فلان ، از فلان ، از فلان کسب شده است ...

خود آقای وزیر دارائی میگوید که ۱۰ میلیون دلار ۴ کامیون میخواهیم بخریم آنوقت مدیر روزنامه فکر میکند که کامیون یکی ۲۰ هزار تومان؟ این است که متذکرین میشود بنابراین راجع بان حسابهاییکه ایشان در اینجا نوشته اند بنده بآنها بهیچوجه عقیده ندارم ومورد توجه نیست (خنده نمایندگان) واین هم مدرك است این یکی وبعد راجع بیول ایشان هم دلایل ابراز کردند عرض کنم که من نفهمیدم چون سواد ندارم نفهمیدم... بنده اینجا فقط لری صحبت میکنم .

من میگویم در آن جنك بین المللی ازهر تاجر و بقال بپرسید چرا لیره تنزل کرد؟ چرا لیره ایكه پنج تومان قیمتش بود در آن جنك بین المللی رسید به ۱۸ قران؟ و برای چه رسید؟ میگوید برای این که متفقین یعنی در آنوقت متحدین و متفقین چون در آن جنك آلیه و آنتانت بودند و عرض کنم آنتانت که متفقین بودند پول خودشان را میآوردند در ایران خرج میکردند - عرض کنم که بیانك شاهنشاهی خود انگلیس ها گفته شما بیاید اسکناس منتشر کنید بانك شاهنشاهی گفت من يك شركت سهامی هستم وبهیچوجه اسکناس بکسی نخواهم داد ومن اسکناس را در مقابل پشتوانه منتشر میکنم شما پول بیاورید این جا ماسکه میکنیم، انگلیس ها از بیرونکام سکه میکردند میآوردند وروسها هم از بطرو گراد سکه میکردند و اینجا هم دوزی سی هزار تومان میو واسری بلژیکی که رئیس ضرابخانه بود از بانك شاهنشاهی تفره میگرفت میرفت ضرابخانه سکه میکرد و علت اینکه پول ایران ترقی کرد یعنی لیره ۵ تومان آمد به ۱۸ قران رسید این بود که متفقین پول خودشان را در این مملکت خرج کردند پول در این مملکت آمد، عرته زیاد شد در این مملکت و قیمتش تنزل کرد - این را هر آدمی که فقط مقدمات اکونومی پلیتیک را خوانده میفهمد و هیچ لازم به تخصص نیست بنابراین ایشان وقتی که قرارداد میگذاشتند در قرارداد در آن پیمان فقط نوشته شده بود که يك قرارداد مالی هم بسته خواهد شد بسیار خوب اما در آن قرارداد مالی دیگر نگفته بود که ما در اینجا کفالت از تمام مخارج متفقین بکنیم ایشان ممکن بود بگویند که مانع استیم هزینه آنها چقدر است که در نظر بگیریم خیر آقا شما اوضاع مملکت خودتان را در نظر بگیرید ممکن بود به آنها بگویند که ۱۰۰ میلیون ما می توانیم در دسترس شما بگذاریم ولی بطرز نامحدود شما وقتی که ۱۸۰ میلیون تومان جریان پولی ما را اداره میکرد آمدید نهمصد میلیون تومان بالا بردید البته زیادی اسکناس سبب ترقی قیمت ها است (صحیح است) از هر کسیکه پرسید خواهد گفت که هیچ احتیاجی بآنهايي که ایشان خواندند نبود و بنده هم بر خودتان البته گوش بآنها نیدم و در منزل هم آنها را نمی خوانم و از هر کسی پرسید همین است، پس در اینجا ایشان مصالح ملت ایران را حفظ نکردند وبهیچوجه من الوجوه در صلاح مملکت اقدام نکردند اگر ایشان بمتفقین میگفتند که شما هر قدر می خواهید خرج کنید پول خودتان را بیاورید خرج کنید، آخر مگر وسعت ملت ایران چقدر است که شما بگویند بطور نامحدود ۷۰۰ میلیون اسکناس در جریان بیندازید؟ چون متفقین که تولید کننده نبودند آنها فقط خرج میکردند یعنی مصرف کننده بودند و هر روز میگفتند اسکناس بنفید و می انداختند در جریان توی بقل هر کسی که نگاه می کردید ۵۰۰۰ تومان اسکناس بود این آدم میدانست اسکناس را چکار بکند ۵ تارا ۱۰ نامی خرید مثلا گندم را وقتی که پول زیاد شد می گفتند سیصد تومان می خرید، شیرینی را هر چه می گفتند مردم می خریدند وقتی پول کم باشد قیمتها تنزل می کند و وقتی که پول زیاد شد قیمت ها ترقی میکنند و این هیچ بدلیل محتاج نیست فقط

چیزی که در آن جنک مملکت ما را از این چیزها حفظ کرد ایمان و عقیده و وزراء بمصالح مملکت بود و اما راجع بشخصیت این دولت، شخصیت عرض کنم که بنده و قتیکه می گویم «دولت» البته مقصود اکثریت دولت است و قتیکه بگویند: ملت ایران ملت خوبی است، یعنی اکثریت ملت ایران خوب است و البته در میان این «ملت» يك اشخاص بدی هم هستند این را بنده از آقایان استدعا میکنم عریض مرا آنهاییکه شخصیت دارند بفرمودشان نگیرند و مقصود من از دولت اکثریت دولت بود اولاً راجع به شخص جناب آقای نخست وزیر که آن روز مراد در مجلس در واقع تهدید کردند و عریضه را تکذیب کردند من چه میگویم؟ من میگویم که آقایان ایشان تشریف آوردند با ما قرارداد دادی بستند آمدند در این مجلس و این قرارداد را با ما بستند که الان صورت مجلس را میخواوم: «هیئت عامه اقلیت مجلس شورای ملی با حضور جناب آقای صدر موافقت نمودند که در ۲۶ تیرماه ۱۳۲۴ اقلیت از استروکیون صرف نظر کند و جلسه مجلس شورای ملی تشکیل شده جناب آقای صدر پس از معرفی دولت و رأی به بر ناعه چنانچه عده مخالفین و ممتنعین دولت به ۴۰ نفر بالغ شد فی المجلس استعفاى خود را بعرض مجلس و به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تقدیم نمایند» (صحیح است) - (یکی از نمایندگان - امضاها را بخوانید) ... امضای هیئت عامه اقلیت است، آقایان اینکه تحصیلات حقوق کرده اند میدانند که قراردادها دو قسم است: یکی شفاهی است، یکی کتبی است - البته آدمی که بخواهد قولش را حفظ کند شفاهی اش با کتبی فرق نمیکند، وقتی که بنده قول بدهم که يك کاری را خواهم کرد برای من از کتبی بالاتر است، وقتی ایشان تشریف آوردند در آنجا من بایشان عرض کردم، یعنی اصل موضوع این شد که ایشان در يك جلسه ای تنهایی با من مذاکره کردند و فرمودند که من میل دارم که شما با ما موافقت بکنید من بایشان گفتم که شما يك استعفا ناعه ای بنویسید بگذارید بهلوی من باشد که اگر استعفانامه ای من آنرا در بیاورم - گفتند من همچو نوشته ای نمیتوانم بدهم و جلسه بهم خورد و بعد جلسه دیگری در مجلس تشکیل شد ایشان تشریف آوردند و در حضور ایشان این نوشته را نوشتیم و هیئت عامه اقلیت امضاء کردند این هم امضای این اشخاص: آقای رضا رفیع، آقای اسکندری (امیر نصرت)، آقای مهندس فریور، آقای افخمی، آقای رضا حکمت و آقای تهرانچی که با بنده هفت تا میشود و آقای دکتر معظمی هم تشریف داشتند که امضا نکردند و این را ما امضا کردیم بعد آقای تهرانچی بایشان گفتند جناب آقای صدر شما اقرار کردید؟ ایشان گفتند بلی من اقرار می کنم و مخصوصاً ایشان بما گفتند که ما این را می نویسیم که هیچ سوء تفاهم نشود حالا بنده سؤال می کنم که يك رئیس دولتی که شخصیت داشته باشد يك همچو نوشته ای، قولی قبول میکند! اگر قبول کرد ما چهل نفر مخالف داشتیم باید برود اگر قبول نکرد ...

فروز آبادی - آخردعوا تا کی؟ تا چند؟ ... بس است آقای ...

نایب رئیس - آقا راجع بنامه ۱۰۹ بفرمائید.

دکتر مصدق - ... عرض کنم اما راجع بمسئله، باز دیشب جناب آقای وزیر خارجه فرمودند: «امریکاییها آمدند و گفتند که ما چرا حاضر نشدیم که قرارداد ببندیم بعد من وقتیکه نوسیه را نگاه کردم دیدم که اینها حاضر شده اند که قرارداد ببندند و وقتیکه

وزرای ما پیشنهادی کردند ولی نظر باینکه دوماه از این پیشنهاد صلاح دولت ایران نبود این دوسه را گذاشتند کنار و دیگر مکالمه نکردند. بنده چه گفتم؟ بنده گفتم وزیرانیکه از اول شهریور باین طرف روی کار آمده اند اینها یا شخصیت نداشته اند یا مصالح خودشان را بر مصالح مملکت مقدم شوردند و با اینکه انجام وظیفه ای نکردند، اگر وزیر خارجه ای که پیش آمد و این دولتهائیکه پیش آمدند یک شخصیتی داشته میرفتند در سفارت امریکا و با سفیر امریکا میگفتند که آقا این دوماه شما برخلاف مصالح مملکت است حتی خود سفیر امریکا گفته بود که اگر دولت ایران این دوماه را برخلاف مصالح مملکت میدانست باید کمتر پروژه داده باشند و این قرارداد را تنظیم کرده باشند و اینهم دلیلش اینست که اعتراضاتی که بنده آنروز در کمیسیون کردم بشام معنی وارد بود - من چه گفتم؟ گفتم وزیرای ما از شهریورماه باین طرف از مصالح مملکت دفاع نکردند اینهم عرایض بنده است اما راجع بکمیسیونیکه بنده اعتراض کردم، برای اینکه بنده رئیس کمیسیون خارجه بودم و هیئت رئیس کمیسیون بودجه هم انتخاب شده بود و معذوم نشد کی این دو کمیسیون را دعوت کرده است بعد خود من بدعوت آقایان آمدم در کمیسیون اینهم اعتراض بنده آنجا بود اما راجع بسائلی که جناب آقای وزیر خارجه فرمودند بنده میخواهم عرض کنم که آقایان نمایندگان دوره چهارم و پنجم و ششم و این دوره همه شهادت میدهند که در این مجلس اهر وقت صحبت از استقلال مملکت شده من شخصاً ترجیحاً احساسات ملت ایران نسبت بمساعدت هائیکه دولت امریکانسبت بملت ایران نموده است بوده ام (صحیح است) همیشه ملت ایران از توجیبات و مساعدتهای ملت امریکا بعد از آن جنگ متشکر بوده است و در این جنگ هم از رفتار ارتش امریکا که بهیچوجه سرباری برای ما نبودند و اگر ریبالی هم از ما گرفتند فقط و فقط برای مخارج خیلی جزئی بوده و آنچه را هم که ارتش امریکا احتیاج داشتند از مملکت خودشان آوردند و خرج کردند متشکریم و ملت ایران در آنیه بمواطفت و توجیبات ملت امریکاستظهر است (صحیح است) باید گفت ملت امریکانسبت بما از هر حیث خودداری و معنایه کردند، عرض کنم راجع باین مسائل مالی یک سوء تفاهمی در جراید شده است ظنش همین توضیحانی بوده است که جناب آقای وزیر دارائی دادند و امید داریم که بعد از این ایتمرسوء تفاهم نشود و با اقدامات جناب آقای وزیر امور خارجه این سوء تفاهمات رفع شود اما راجع بخرید اشیاء، اینکه آقای وزیر دارائی فرمودند که ما بنظر خودمان هرچه صلاح میدانیم میکنیم اینطور نیست باید هر کار که میکنید با اطلاع مجلس باشد خصوصاً آن اشیائی را که دولت لازم ندارد و اگر لازم شد که خریداری بشود اینها باید در تحت نظر اشخاصی یک پنج نفری که بشام معنی مورد اعتقاد جامعه باشد از طرف مجلس انتخاب شوند که یک طوری نباشد که برای جامعه و مملکت اسباب خسران باشد.

وزیر دارائی - اجازه میفرماید توضیح عرض کنم؟

دکتر مصدق - ... خط خودتان هم اینجا هست. بفرمائید، بفرمائید (خنده نمایندگان)

نایب رئیس - آقای وزیر دارائی.

عرض کنم بنده همانطوریکه فرمودند در اینجا نشسته بودم یاد داشتی دادند که بهلوی بنده نیست و آنچه نظرم هست این است یکی ده میلیون نوشتم برای اتومبیل، صورتیکه امریکاییها دادند الان بیش بنده هست و ممکن است بنده آنرا امضاء شده خدمتان بندهم از این مبلغ بیشتر است ملاحظه

توضیحات وزیر دارائی



بفرمائید بنده تعریفی نکردم ضمناً هم اظهار عقیده کرده ام که این مبلغ گزاف است همه اینهاش درست است هم صورت تطبیق میکند با آنچه امریکاییها داده اند هم بنده ضمناً بر جمع کامیونها نوشتیم که این مبلغ گزاف است اطلاع از وضعیت کامیونها نداشتم، گفتم قطعاً گزاف است، یازده میلیون نوشته بودند من نوشتیم فریب ۱۰ میلیون ولی معتقد بودم که گزاف است. اینکه این؛ اما اینکه فرمودند يك توضیحاتی که راجع یول دادم برای آقا مستند نیست بواسطه همینکه بنده ۱۰ میلیون گفتم بنده همانطور که ملاحظه فرمودند در این نوشته خودم نوشتم برای اینکه آقایان نمایندگان محترم و مردم مستعضر شوند... (اظهار شد اکثریت نیست) (در این موقع چند نفر از آقایان نمایندگان وارد وعده کافی شد).

بعضی از نمایندگان - اکثریت شد.

وزیر دارائی - عرض کنم بنده این استدلالی که کردم همانطوریکه در لایحه که اینجا قرائت کردم عرض کردم برای آقایان نمایندگان و ملت ایران است البته شاید بین آنها آقایانی باشند که با دلایل بنده مقایسه بکنند و بعد قضاوت کنند و بنده اصراری ندارم که دلایل بنده را قبول بکنند یا نکنند، عرض کنم موضوع دیگری که فرمودند راجع بوزراء بود که فرمودند شخصیت ندارند لازم است بگویند بعضی از وزراء شخصیت ندارند.

نایب رئیس - اسلاً این موضوع را دنبال نکنید.

وزیر دارائی - حالا که آقای دکتر معتقدند که بعضی از وزراء انجام وظیفه نکرده اند باید بفرمائید بعضی از وزراء ولی وقتیکه میفرمایند همه آنوقت بنده و بعضی از وزراء یکجا انجام وظیفه کرده ایم بر میخورد وقتیکه میفرمایند تمام وزراء شخصیت ندارند بهمه مان بر میخورد اما اگر بگویند بعضی از وزراء شخصیت ندارند بکسی بر نمیخورد ولی وقتی میگویند همه همه مشکوک میشوند.

دکتر کشاورز - اخطار نظامنامه ای دارم (اظهار شد اکثریت نیست)

معدل - ختم جلسه.

نایب رئیس - حالا که اکثریت نیست اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم؛ جلسه پس فردا پنجشنبه ساعت ۱۰ صبح (اکثریت شد).

بعضی از نمایندگان - آقای نخست وزیر فرمایش دارند.

نایب رئیس - بفرمائید.

نخست وزیر - عرض کنم اگر این ترتیب باشد بنده استعفا میدهم ایشان حق ندارند پس توهین کنند بنده مقدمات بیانات ایشان را تصدیق میکنم، صحیح است (فداکار - احسنت) قضیه این است یکروز صبح آقای دکتر معظمی تشریف آوردند شیران بستل من (دکتر معظمی - بنا برد عوت خودتان) وصحبت کردند و فرمودند که اینطور خوب نیست بساید این اختلافات رفع شود و بسایستی باین وضع خاتمه داد؛ این ابتدایش بود قبل از آنهم در فرودگاه مختصر صحبت کردیم و بعد هم که تشریف آوردند آنجا صحبت کردند عرض کردم بسیار خوب من امید دارم يك تکلیفی برای دولت معین شود بعد از آن نیدانم مجلس بود یا مجلس نبود آقایان اینجا جمع بودند ببنده تلفن کردند که سه نفر از آقایان اقلیت میخواهند شما را ملاقات کنند آمدند در عمارت نخست وزیر صحبت کردند.

مهندس فریور - از اقلیت کیها بودند در عمارت نخست وزیر؛ آقا بفرمائید.

نخست وزیر - ... عرض کنم گویا آقای تهرانچی بودند و آقای اسکندری بودند.

آقای انجمنی بودند همچو بنظر من میآید تشریف آوردند مجلس و پشت سرش بمن تلفن کردند که آقایان هفت نفر هستند و میخواهند باشما صحبت کنند، آقای دکتر مصدق هم هستند گفتم بسیار خوب منم میایم و دوباره صحبت میکنم آمدیم اینجا و همانطور که فرمودند هفت نفر بودند صحبت کردیم حالا بیانات آقای دکتر مصدق چطور است که تعریک میکند انسان را و نمیتواند درست حرف بزند و بنده هم خیلی عصبانی هستم همه اش را تحمل کردم و گوش کردم بفرمایشات ایشان و بایشان گفتم آقایان طائب این کار نیست، آقایان اکثریت تمایلی اظهار کردند بنده هم در توانائی خودم دیده ام که اینکار را قبول کنم و حاضر هم شدم بقبول یا امیدواری باینکه این اختلافات رفع شود بنده هم حسن نیت خودم را نشان بدهم با موافقت و همکاری آقایان این کار را بکنم غرض دیگری و قصد دیگری برای قبول این کار نداشتم حالا هم ندارم ایشان فرمودند شما نمیتوانید از عهده این کار بر آید برای اینکه مخالف زیاد دارید گفتم بسیار خوب چقدر مخالف دارم؟ گفتند از چیل متجاوز است، چهل و پنج بلکه در حدود پنجاه هم میرسد این بیانات شفاهی ایشان است گفتم اگر تا باین درجه مخالف باشد من تصدیق میکنم که نمیشود کار کرد، گفتند که این را بنویسید، گفتم قبیح است که من يك همچو چیزی بنویسم يك قراردادی من بنویسم برای مملکت و دولت با وجود اکثریت این معنی ندارد؟ گفتند بسیار خوب ما خودمان مینویسیم.

مهندس فریور - با حضور خود جنابعالی .

نخست وزیر - بلی در حضور بنده .

محمد طباطبائی - در حضور آقایان هم يك سندی تنظیم کنید برای عکس

این کار .

نخست وزیر - گفتم اگر بجائی رسیده باشد که بتوانم کار بکنم البته استعفا میدهم ولی تکفتم فی المجلس، گفتم من استعفا میدهم اگر باین ترتیب باشد که من نتوانم کار بکنم آنوقت البته استعفا میدهم پس از اینکه دولت معرفی شد آقای تهرانیچی و يك نفر دیگر از آقایان حاضر من نیست کدام يك از آقایان بودند در اطاق همینجا بمن گفتند که شما چه خواهید کرد، گفتم تشخیص اینکه دولت خوب کار خواهد کرد یا بد من هم خواهم داد ولی معذک اگر اقلیت اینقدر باشد و مخالف اینقدر باشد من استعفا خواهم داد ولی خواهش میکنم از آقایان که بنشینید و موافقت کنند با انتخاب يك شخص دیگری که مورد موافقت بیشتر آقایان باشد و این اقلیت و اکثریت ازین برود آنوقت بنده استعفا خواهم کرد برای اینکه مصلحت نمیدانم که بیسولت باشیم این واقع مطلب است ولیکن آقایان هم ملاحظه فرمودند تصور میکنم که آقایان شهادت ناحق نخواهند داد من هیچوقت تکفتم بمن اصرارم کنید؟

مهندس فریور - آن شعر را که خواندید تکرار کنید؛ اگر درست است

این تیرزن... حالا فراموش کردید؟! (خنده نمایندگان)

نخست وزیر - ... گاش همین را می خواندند و این تعبیر را نمیکردند

این تعبیر باندازه ای توهین آوراست که من نمیتوانم تحمل بکنم مجلس باید

يك فکری بکند که ما هر روز اینجا نشینیم و يك توهین هائی بشنویم .

نمایندگان - آقا شما اکثریت دارید .

## انتقاد از رویه اکثریت درباره انتخاب نواب رئیس

از خصائص نمایندگان اکثریت مجلس چهارده این بود که در مجلس و در جراید طرفدار خود اینطور جلوه دهند که حاضرند با اقلیت همکاری و تشریک مساعی کنند ولی هنگام عمل معلوم میشد که بگفته خود رفتار نمیکنند حتی وسائلی که تاحدی برای همکاری لازم بود از میان بر میداشتند. نمونه بارز این موضوع انتخاب نواب رئیس بود که باینکه آقای دکتر مظفری تا آن موقع دو بار این سمت را پیدا کرده بود ولی موقع تجدید انتخاب هیئت رئیسه بعنوان اینکه جزو اقلیت بوده است او را انتخاب نمودند و دکتر مصدق این مطلب را در نطق مذکور در ذیل تشریح کرده است ( نقل از مذاکرات مجلس شماره ۱۹۱ ص ۶۳۵ )

دکتر مصدق - بنده خواستم عرض کنم که اگر یک غذایی را جلو دو نفر گذاشته یکی از آنها قوی بود یکی از آنها ضعیف آیا آن قوی تمام غذا را میخورد و برای رفیقش سهمی تعیین نمیکند؟ یا اینکه واقعاً انصاف اینطور اقتضا میکند که بآن رفیقی که پهلوی دستش نشسته است یک تعارفی هم بکند؟ این یک اساسی است که در هر جایی یک کسی قوی - شد و خواست ضعیف را از بین ببرد و بالاخره یک اقتراقی بین ضعیف و قوی پیدا خواهد شد که هیچ نتیجه روی آن مقصودی که دارند حاصل نمی شود؛ آقایان ملاحظه میفرمایند که در پارلمان انگلستان وقتی که حزب کارگر غلبه پیدا کرد رئیس مجلس از حزب مخالف شد، چرا برای اینکه یک تعادل و یک موازنه بین اقلیت و اکثریت باشد، رئیس دولت از اکثریت - شد رئیس مجلس از اقلیت، اگر حکومت کارگزار این توازن را از دست میداد من یقین دارم که آن نتیجه ای را که میخواستند در این دوره حاصل نمیکردند و مامی بینیم که در سیاست بین المللی امروز حکومت پارلمانی انگلیس یک دولتی است که باید تمام دول تاسی سیاست آندولت بکنند، از بدو این دوره، ابتدای این دوره اکثریت این مجلس خواست در هر کاری خودش تفوق داشته باشد و اقلیت را در نظر نگیرد و این امر مسبب شد که در این دوره بهیچوجه ما موفق بکاری نشدیم (صحیح است) و آقایانیکه مخالف این حرف هستند و منکر این هستند خوب است بگویند که قبل از او بستر و کیسون نتیجه عملیات مجلس، تراز نامه عملیات مجلس، چه بوده است؟ بهمین دلیل که در مجلس کاری انجام نگرفته است، ما ابستر و کیسون کردیم برای اینکه اکثریت تا یک اندازه رعایت حال اقلیت را بکند و اقلیت را در کارهای عمومی مملکت، در امور سیاسی، دخالت بدهد، پس از یک مدتی که در خارج ماندیم دیدیم اکثریت هیچ توجهی بها نکرد و استالتی از ما نکرد و ما دیدیم که اگر در خارج بنشینیم بالاخره هر چه هست برفع اکثریت تمام میشود و ما استفاده نمیتوانیم بکنیم. این بود که ما آمدیم بمجلس، روی چه اصل؟ برای اینکه با اکثریت همکاری بکنیم، نظر همکاری با اکثریت داشتیم. برای چه؟ روی این اصل که گفتیم اگر ما بد هستیم امروز که با اکثریت همکاری میکنیم کمال هم نشین شاید در ما اثر بکند و ما یک قدری بهتر بشویم و با اکثریت کار بکنیم و اگر اکثریت خوب نیست و ما شاید بهتر باشیم اختلاط و

همکاری اکثریت و اقلیت يك توازنی در سیاست مجلس تولید بکنند و ما بتوانیم تا آخر دوره از این موافقت و همکاری يك کارهایی را انجام دهیم و يك خدمتی برای ملت و مملکت بکنیم، این نظر ما بود که بمجلس آمدم و دست خودمان را برای همکاری بسوی اکثریت دراز کردیم ولی دیدیم که اکثریت آن دست همکاری ما را رد میکند مثلاً در مسئله انتخابات هیئت رئیسه ما نظرم آن این بود که انتخابات همان وضع سابق باشد زیرا که منشیان مجلس باید يك اشخاصی باشند که از هر دو دسته انتخاب بشوند و در اجازتها تمیض نکنند و نظریات اکثریت و اقلیت رعایت بشود، ما گفتیم اگر بیاییم با اکثریت يك موافقت جداگانه بکنیم شاید صلاح نباشد باین جهت ما حاضر هستیم که همان وضع سابق را حفظ بکنیم و بهمین جهت هم ما به جناب آقای رئیس مجلس رأی دادیم و به آقای ملک مدنی هم که جزء اکثریت بودند رأی دادیم ولی متأسفانه اکثریت مجلس تقاضای منظور ما را در نظر نگرفت و باز میخواهد تا آخر دوره این اختراق را ادامه دهد (بکنفرانس نمایندگان - اینطور نیست) ما میل نداریم که واقعاً بین اکثریت و اقلیت يك افتراقی باشد، و با يك نیت يك وصیتمانه باین مجلس آمدم که با اکثریت همکاری بکنیم و اگر اکثریت میخواهد با ما همکاری بکند باید در انتخابات مجلس تجدید نظر بکند و يك اشخاصی را در نظر بگیرند که حقوق اقلیت و اکثریت را در مجلس حفظ بکنند و اگر میل دارند بنسب خودشان که چون رأی اکثریت قاطع است هر کاری میخواهند بکنند، ما يك مردمان بیچاره هستیم، مردمان مظلومی هستیم که در این مجلس می نشینیم و تالش میکنیم و تا آخرین دوره هم این سیاست ما است !!...

## طرح تصویب انتخابات

از شهریور ۱۳۲۰ که نیروهای متفقین باین مملکت آمدند کشور ایران در راه پیشرفت آنان نه تنها راه آهن و راههای شوسه خود را باختیار متفقین گذاشت بلکه خود جزو حلال متفق قرار گرفت و همه چیز خویش را برای حصول پیروزی و نجات آنها تسلیم کرد بعد از جنگ هر کس انتظار داشت که آفتاب سعادت و نیکی بختی طلوع کند و مشقات دوره جنگ از میان برود انتظار عموم این بود که قوای متفقین ایران را تخلیه کنند و مردم این کشور را بحال خود بگذارند متأسفانه این انتظار عملی نشد و قرائن بیشمار نشان میداد که بعضی از متفقین میخواهند نیروی خود را نبرند در امور داخلی ما خصوصاً «انتخابات» بهانه های گوناگون دخالت کنند و چون بصورت فرمان انتخابات چیزی نمانده بود مردم نگران شدند و این نگرانی روز بروز شدت میکرد لذا عده از نمایندگان اکثریت طرحی تهیه نمودند که یکماه بعد از رفتن فئوشون خارجی «انتخابات» شروع شود ولی دکتر مصدق اظهار نمیکرد که تنها توقف فئوشون خارجی در انتخابات مؤثر نیست زیرا از بدو مشروطیت که ۱۴ دوره تقنینیه داشته اجماعاً فقط

دوره اول و نسبتاً دوره دوم و سوم مردم توانستند نمایندگان خود را بمجلس روانه کنند پس چیزهای دیگری هم هست که در انتخابات مؤثر است و اهم آنها اصلاح قانون انتخابات - است که باین قانون میتوانند آراء صحیح را با آراء مزور و مجعول عوض کنند، اگر ما طالب آزادی انتخابات هستیم و اگر ما میخواهیم سیاستهای خارجی در انتخابات مداخلت نکنند باید قانون انتخابات را تجدید نظر و اصلاح کنیم با قانون فعلی لازم نیست که سیاستهای خارجی بازورو نیرو و تهدید بمقصود خود برسند فقط کافی است که دولتی روی کار بیاورند و منویات خود را بنسبت آن دولت اجرا کنند، اکنون که رقابت بین - المللی در این مملکت هست تجدید نظر در قانون و اصلاح آن مشکل نیست ولی اگر این رقابت از بین رفت هیچ مجلسی نخواهد بود که بتواند کوچکترین اصلاحی در آن بکند پس باید موقع را از دست نداد و از وضعیت کنونی استفاده کرد و در راه سعادت و نیکیختی قدم برداشت .

در دوره ۱۴ اکثریت و بلکه اکثریت قریب باتفاق نمایندگان حاضر نمیشدند که صحبت از اصلاح قانون انتخابات بکنند و امضاء کنندگان طرح اصرار داشتند که طرح خود را پیشنهاد کنند و در آخر دوره هم برای جلوگیری از فترت مجلس را تمدید نمایند از این نظر سفر و زقیل از پیشنهاد طرح بدعوت اکثریت کمیسیونی مرکب از اشخاص ذیل: آقایان: دشتی - دکتر طاهری - عباس سعودی - نبوی ( نمایندگان اکثریت ) و آقایان: رضا حکمت - مهندس فریور و دکتر مصدق ( نمایندگان اقلیت ) در مجلس تشکیل شد.

نمایندگان اکثریت اظهار میکردند چند روز بیشتر بصورت فوری از انتخابات باقی نیست چنانچه طرح تنظیمی ما مطرح و تصویب شود قشون خارجی که مقصودش از توقف در ایران مداخله در انتخابات است میروود و اگر نرفت دوره چهارده را تمدید میکنیم تا برود - نمایندگان اقلیت بالاتفاق<sup>(۱)</sup> میگفتند تصویب این طرح ممکن است موجب عصبانیت خارجی ها بشود و تمدید مجلس هم بجهت ذیل عملی و موثر نیست:

(۱) - انتخابات دوره ۱۴ بر طبق آمال مردم نبود که تمدید مجلس با افکار آنها موافقت کند .

(۲) - تمدید دوره تعیینیه برخلاف اصل پنجم قانون اساسی است که عدت نمایندگان

(۱) - بالاتفاق در کمیسیون ولی در مجلس بعضی از آنها به پیشنهاد آقای حکمت رأی دادند.

را دو سال تعیین کرده است.

۳- بر فرض اینکه اکثریت موفق به تمدید شود چه مانعی هست که در انقضای دوره دولت مجلس را منحل نکند و<sup>(۱)</sup> اینکار در دوره دوم سابقه دارد.

پس بهتر آن است طرحی تهیه کنیم که بعنوان تجدیدنظر در قانون انتخابات در صدور فرمان شاهانه راجع به انتخابات دوره ۱۵ دو ماه تاخیر و در ظرف این مدت قانون انتخابات تجدیدنظر شود. چنانچه اصلاح شد و قشون خارجی نرفت چه مانعی هست که قبل از انقضای دوره ۱۴ طرح تعویق انتخابات تصویب شود، پس از مذاکرات زیاد در کمیسیون توافقی حاصل شد ولی روز بعد آقای نبوی از طرف نمایندگان اکثریت کمیسیون اظهار نمود که خوب است مدت را سه ماه قرار بدهیم نظر باینکه انقضای مدت تصادف میکرد با روزهائی که قشون شوروی حتماً میبایست برود و ممکن بود که دولت اتحاد جماهیر شوروی چنین تصور کند که تجدیدنظر در قانون انتخابات فقط عذری است برای اینکه انتخابات نشود لذا نمایندگان اقلیت نتوانستند موافقت کنند.

اینک ما نظریه روزنامه کیهان را در همین موضوع در اینجا نقل و سپس جریان تصویب طرح تحریم انتخابات را ذکر مینمائیم - روزنامه مزبور در شماره ۷۷۹ مورخ ۱۴ مهر ماه ۱۳۲۴ تحت عنوان: «طرح تاخیر انتخابات با تمدید مجلس» چنین مینویسد:

در شماره روز پنجم خواته گان دو خبر را در ستون اخبار کشور ملاحظه فرمودند اول اینکه «بین اقلیت و اکثریت توافق حاصل شده است که در صدور فرمان انتخابات دوره ۱۵ دو ماه تاخیر شود تا در قانون انتخابات تجدید نظر گردد و دولت بیطرف و مورد اعتمادی روی کار بیاید که بتواند انتخابات مجلس را بفتح اهالی سلکت انجام دهد» خبر دوم نیز این بود که «در جلسه اکثریت مجلس در اطراف طرحی که برای تاخیر انتخابات دوره ۱۵ تا خروج نیروهای متفقین از ایران تهدید شده و تاکنون با مضای ۷۹ نگر از نمایندگان رسیده است مذاکرات زیادی بعمل آمد ... الخ ...» پس در مجلس دو جریان است یکی مذاکراتی که بین اقلیت و اکثریت برای اصلاح قانون و بهبودی وضع انتخابات و اکثریت برای اطمینان خاطر اقلیت وعده میدهد که او نیز موافق است که در هنگام انتخابات دولتی روی کار بیاید که بفتح يك دسته کوچکی حق حاکمیت ملی پانزده میلیون مردم ایران را لکه مال نکند و دیگری مذاکراتی است که بین خود اکثریت برای تثبیت صندلی و کالت ایشان میشود :- چون آقای دکتر مصدق و رفقای ایشان اصرار دارند که باید قانون انتخابات بنوعی اصلاح گردد که تا اندازه ای حق حاکمیت ملی را تامین کند و اختیار کار را از دست يك مشت حقه باز و قلدر و بنسبست چی بیرون برده بدست ملت ایران بدهد اکثریت

(۱) - کما اینکه حزب توده و هواداران دولت قوام چهار روز قبل از انقضای دوره ۱۳۰ و ضمنی در اطراف مجلس فراهم نمودند که نمایندگان از نمایندگان مجلس بیرون بروند و مجلسی بخودی خود منحل شد.

با نشان روی موافقت نشان داده نظاهر به صداستانی با اصلاح قانون و بهبودی وضع انتخابات- میکنند ولی هینکه و کلای اقلیت رفتند و نمایندگان اکثریت خلوتی پسندی گیر آوردند و در جستجوی راهی یاهم مشورت میکنند که مدت دیگری ایشانرا تثبیت کند بهانه ای که اینها دارند وجود نیروی خارجی در ایران است و آنهم البته نیروی شوروی زیرا از وجود نیروی انگلیس و اعمال نفوذ او که حرفی ندارند و آنرا دخالت اجنبی در امور ایران میدانند و تأیید آنرا مخالف با اصول وطن پرستی نمیشمارند ولی برای تثبیت همین سیاست بک طرفی نیز اینقدر گذشت دارند که چند ماهی از وکالت صرف نظر نمایند. در این که با وضع فعلی باز هم ایشان انتخاب خواهند شد حرفی نیست زیرا بعد از رفتن دو نیروی بیگانه باز نفوذ یکی باقی خواهد ماند و متدلیهای وکالت را برای دستیاران خود باقی نگه خواهد داشت چه بر کسی پوشیده نیست که او در ایران عمال صدواتد ساله ای دارد که هر یک در ناحیه ای از نواحی کشور فرمانروای مطلق- هستند که هیچ امری بدون رضای ایشان ممکن نیست صورت بگیرد و ایشان نیز جز بموجب امری که از مرکز وحی ایشان برسد ممکن نیست قدمی بردارند پس مادامی که این لیدر- ها و متولیان و تمزیه گردانان مجلس طرف اعتماد آن مرکز وحی هستند انتخاب ایشان قطعی- است و اگر آن مرکز نخواهد نیز انتخاب نخواهند شد چه نیروی اجنبی در ایران باشد و چه نباشد- و قتیکه ایشان مورد اعتماد مرکز وحی هستند، و قتیکه جز حسن خدمت و بندگی و خلوس چیزی نشان نداده اند طبعی است که باز برای انتخاب ایشان بمسال صد ساله وحی خواهد رسید پس دیگر نگران ایشان از چیست که میخواهند مجلس را تعدید کنند؟! آیا حرم و آرزو چاه پرستی با ایشان اجازه نمینماید که بکی دو ماه هم صبر کنند؛ و با ایسانی که بآن مرکز وحی دارند بفحوائی آیه «لیعلمن» قلبی میخواهند قلوبشان مطمئن باشد.

مرحوم ملا نصرالدین و قتیکه عروسی کرد در شب اول زفاف دست و پای زنش را معکم بست، عروس گفت من که حرفی ندارم خودم را غیم دست و پا بزم را چرا میندی، ملا گفت کار از معکم کاری عیب نمیکند- اینها نیز معتقدند که اگر چه حسن نیت و خوش رقصی ایشان مورد قبول «صاحب» است ولی هر معکم کاری برای تثبیت متدلی خود میکنند عیبی ندارد.

این است که بفکر افتاده اند با یک تیر دو نشان بزنند و یک کنند دو نخبر را بدم آوردند یکی کسب و جاهت ملی بنام اخراج نیروی بیگانه از کشور و دیگری تثبیت وکالت خود برای مدت نامعینی و برای این منظور طرحی تهیه کرده اند که نام خروج نیروی بیگانه انتخابات دوره ۱۵ بشأخیر افتد و البته در این پوست مغزری هم هست و آن اینستکه دوره چهاردهم نیز تا اتمام انتخاب دوره یازدهم تعدید گردد. حالا این «تا» بکجام منتهی میشود؟ خدا میداند، لابد با قتیکه حکومت نظامی باقی است. کسی نیست از آنها پیرسد که اگر بفای نیروی بیگانه در ایران موجب تعدید مجلس میگردد چرا دوره دوازدهم و سیزدهم تعدید نگردید؟! در آن روز که تور آنش جنک مشتعل و اوضاع خیلی شدید تر بود که بیشتر احتمال دخالت نیروی بیگانه در انتخابات میرفت والحمدلله که ایشان هم نکردند و ما مجلسی داریم که ایرانی خالص است و گل آن در یکی از آتشکده های مقدس مثلا آتشکده برلین تطهیر شده است، خیلی مضحک است که گمانیکه با نیروی اجنبی و کیل شده اند بخواهند انتخابات را از شاخه دخالت نیروی اجنبی معصوم دارند؛ و عجیب است که آقای دکتر مصدق و پاران او طمع داشته باشد که برای «آزادی انتخابات» و «تأمین حق حاکمیت ملی» از ایشان یاری و همکاری بخواهند!!...

## تقدیم طرح تحریم انتخابات

بمجلس شورای ملی

گفتیم که بین نمایندگان اکثریت و اقلیت در کمیسیون، توافق حاصل شده بود ولی بعد نمایندگان اکثریت نتوانستند همکاران خود را متقاعد کنند و آنها یقین کرده بودند که در اقلیت کسانی با آنها همراه هستند و میتوانند بمقصد خود برسند، این بود که طرح خود را در جلسه ۱۹ مهر ماه تقدیم مجلس نمودند اکنون عین طرح :

نایب رئیس - آقای بهبهانی .

**بهبهانی** - نظر باوضاع و احوال مملکت و وضعیت ملی و نزدیکی موقع انتخابات دوره ۱۵، آقایان نمایندگان که عده شان شاید بالغ بر ۸۰ نفر باشد (صحیح است) طرحی پیشنهاد کرده اند برای اینکه تأخیر بیندازند انتخابات را ، مادام که قوای بیگانه در این مملکت است (صحیح است) و از طرفی هم البته تصدیق میفرمائید آقایان، که با بودن قوای اجنبی در مملکت یک وضعیت غیر سلامت و غیر منظمی در مملکت حکم فرماست (صحیح است)

و با این مسئله انتخابات اگر باید بطریقی که همه مردم مشروطیت خواه و مملکت خواه که نظر دارند پیشرفت بکنند باید در یک موقع آرامش و در یک موقع طبیعی در مملکت انجام گردد (صحیح است) بنابراین قریب ۸۰ نفر یا متجاوز از ۸۰ نفر آقایان طرحی پیشنهاد کرده اند و بعنوان دو فوریت هم پیشنهاد کرده اند که تا یکماه بعد از تخلیه خاک ایران از قشون اجانب انتخابات تأخیر بیفتد و این طرح را بنده تقدیم میکنم و چون دو فوریت تقاضا

شده است در این باب و آنهم معلوم است که برای چه دو فوریت در نظر گرفته شده چون موقع نزدیک است و روزی که شبه روز صدور فرمان است، این طرح باید امروز تکلیفش معلوم بشود که برای شبه و یکشنبه تکلیف معلوم باشد و دیگر محل اختلاف کلمه ای نباشد (صحیح است) این را تقدیم میکنم و از آقایان هم استدعا میکنم که آنرا تصویب بفرمایند .

جمعی از نمایندگان - اقا بفرمائید طرح را بخوانید .

از دلان - استدعا میکنم امضاء ها را هم بخوانید .

نایب رئیس - طرح قرائت میشود :

ریاست معظم مجلس شورای ملی

از نظر تأمین آزادی کامل و اینکه کمترین توهمی برای اظهار نظر در انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی برای هیچیک از افراد ملت ایران در پیش نباشد امضاء کنندگان ماده واحده ذیل را با قید دو فوریت پیشنهاد و تقاضای تصویب آنرا داریم .



ماده واحده - انتخابات پانزدهمین دوره تقنینیه مجلس شورای ملی یکماه بعد از تخلیه خاك ايران از قوای بیگانه بعمل خواهد آمد .

امیر تیمور - محمد رضا تهرانی - روحی - بین اسفندیاری - سید کاظم جلیلی - حاذقی  
 تولیت - عماد تربتی - منصف - فرخ - اردلان - ذوالقدر - محمد علی امام جمعه - اقبال -  
 سیف پور - فاطمی - صفوی - خلیل دشتی - حیدر علی امامی - مخبر فرهند - گله داری -  
 سرتیپ زاده - ظفری - محمد طباطبائی - دولت آبادی - نبوی - دکتر طاهری - معدل -  
 خلعت بری - پوررضا - اخوان - فاطمی - دکتر معاون - بوشهری - ساسان - آریه تهاشمی  
 حشتی - محمد علی معجد - فولادوند - مهدی نمازی - بهبهانی - اعتدال التولیه - جواد  
 سعودی - خاکباز - دکتر مجتهدی - محیط - ذوالقاری - سلطانی - قه الاسلامی -  
 دکتر کیان فیروز آبادی - اسعد - ارباب گیلو - فرود - دهقان - معجد ضیائی - صدریه -  
 رفیعی - مرآت اسفندیاری - ملک مدنی - عباس سعودی - دکتر عبده - جمال امامی -  
 فتوحی - افشار صادقی - آصف - شریعت زاده - قبادیان - موبد ثابتی - دهستانی - فرهودی  
 نقاشی - دکتر آقایان - تقاب - سنندجی - امینی .

نایب رئیس - يك اسم هم تریباً لایق است آنهاست که خوانده شد ۷۹ اسم بود.  
 آقای فیروز آبادی هم قبول فرمودند .

ناگفته نماند بطوریکه نگارنده از آقای دکتر مصدق شینهمام در روز مزبور  
 قبل از تشکیل جلسه علنی و تقدیم طرح فوق الاشعار ، نمایندگان اقلیت ۳۲ نفری  
 در اطاق مخصوص بخود در مجلس بودند و نسبت بجزریان روز تبادل افکار  
 مینمودند برای اینکه طرح مزبور در صلاح مملکت اصلاح شود و در جلسه علنی  
 مجلس شورای ملی بین نمایندگان اکثریت و نمایندگان اقلیت اختلافی حاصل نگردد  
 به پیشنهاد دکتر مصدق آقای حکمت با نمایندگان اکثریت داخل مذاکره شدند  
 ولی نتیجه ای نگرفتند و بلافاصله زنگ مجلس بصدور آمد و نمایندگان اکثریت  
 یکی بعد از دیگری وارد جلسه رسمی شدند، دکتر مصدق هم برای اینکه در مجلس  
 اشکالی نشود بر طبق نظریات نمایندگان اکثریت پیشنهادی در دو نسخه<sup>(۱)</sup> نوشت و بامضاء  
 چند نفر از نمایندگان اقلیت رسانید که هر وقت جلسه رسمیت یافت تقدیم مجلس کند  
 اکنون عین پیشنهاد :

« برای تجدید نظر و اصلاح قانون انتخابات در صدور فرمان انتخابات  
 سه ماه تأخیر شود .

دکتر محمد مصدق - تیمور تاش - غلامعلی فریور - بهادری - دکتر فلسفی  
 مهدی عدل - فرهاظر مانیان - رضا حکمت - افخمی - رفیع »

(۱) دو نسخه برای اینکه اگر نسخه اول از بین رفت نسخه دیگری بامضاء همان امضاء  
 کنندگان حاضر باشد که فوراً تسلیم ریاست مجلس شود .

که یکی از امضاء کنندگان آن خود آقای حکمت میباشند و موقعی که آنرا امضاء نمودند هیچ اظهار نکردند که پیشنهاد دیگری هم قبلاً بدستگاه مجلس داده‌اند این بود که نماینده اول تهران با نهایت اطمینان به پیشرفت کار وارد جلسه شد و يك نسخه از پیشنهاد را برای آقای تائب رئیس فرستاد که پیشنهاد مزبور اول قرائت نشد زیرا پیشنهادات بترتیبی که داده میشود باید قرائت شود و معلوم بود که پیشنهاد انفرادی و قبلی آقای حکمت خیلی قبل از تمام پیشنهادات بآن دستگاه داده شده است

اینک عین پیشنهاد آقای حکمت (سردار فاخر) را در ذیل نقل مینمائیم :

#### پیشنهاد آقای رضا حکمت

« پیشنهاد میکنم بمحض اینکه تمام خاک ایران بر طبق پیمان سه‌تمانه از نیروی قوای متفقین تخلیه شد بلافاصله فرمان انتخابات صادر و انتخابات دوره پانزدهم شروع گردد »

این پیشنهاد با طرح نمایندگان اکثریت یکی بود با این اختلاف که آقای حکمت پیشنهاد کردند بمحض اینکه خاک ایران از نیروی متفقین تخلیه شد و پیشنهاد اکثریت این بوده است که « یکماه » بعد از تخلیه ایران، انتخابات شروع شود

البته همکاری صمیمانه ایجاد میکرد این پیشنهاد را که برخلاف عقیده و اظهارات خودشان در کمیسیون بود، ندهند و با اینکه لاقلاً همکاران خود را از دادن آن مستحضر کنند نه اینکه هیچ نگویند و پیشنهاد دوم را هم که مخالف با پیشنهاد اول است امضاء نمایند!... مورد تردید نیست اگر همکاران خود را از پیشنهاد اول مطلع کرده بود و اقلیت میدانست که نقشه اکثریت چیست از حضور در جلسه امتناع میکرد و اکثریت مجبور بود که در خصوص « تجدید نظر در قانون انتخابات » با اقلیت موافقت کند و با اینکه پیشنهاد آقای حکمت فقط قنابل توجه شده و جریان قانون مصوب راطی نکرده بود بعنوان قانون تصویب شده بدولت ابلاغ گردید و از صدور فرمان انتخابات جلوگیری کرد زیرا پیشنهاد فوق یا اصلاح است و یا ماده الحاقیه که در هر يك از احوال مشمول ماده ۷۹ نظامنامه مجلس شورای ملی است که چنین مقرر نموده است :

« هر اصلاح یا ماده الحاقیه که در ضمن مباحثات اظهار میشود باید دلایل آن بطور اختصار بیان شود و در صورتی که وزیر یا مخبر کمیسیون تقاضا نماید باید آن اصلاح یا ماده الحاقیه بکمیسیون رجوع شود - هر گاه ارجاع بکمیسیون تقاضا نشود در باب قبول توجه از مجلس رأی خواسته میشود مجلس پس از استماع اظهارات مخبر کمیسیون

در این باب رأی میدهد، اصلاح یا ماده الحاقیه در صورت قبول توجه بکمیسیون ارجاع میشود.

بنابر این پیشنهاد آقای حکمت خواه ماده اصلاحیه باشد و یا الحاقیه میباشد اول بکمیسیون رفته و کمیسیون پس از غور و بررسی گزارش خود را بر له و یا علیه آن تنظیم و تقدیم مجلس نموده باشد.

ماده ۶۳ نظامنامه برای اینکه کاری بدون دقت و رسیدگی از مجلس نگذرد که بعد عوجب پشیمانی و ندامت بشود چنین مقرر نموده است :

«در صورت قبول توجه آن اصلاح بکمیسیون فرستاده میشود. درباره این قبیل اصلاحات نمیتوان همان روزی که پیشنهاد شده است رأی داد» که مقصود مقنن این است که بین قابل توجه شدن موضوعی و تصویب آن لااقل ۲۴ ساعت فاصله باشد تا نمایندگان مجال کنند در رأیی که برای قابل توجه شدن داده شده تجدید نظر نمایند ولی چون تصمیم نمایندگان این بود که ماده واحده بهر طریق که ممکن باشد خلق قانون یا برخلاف قانون بگذرد و از صدر فرمان انتخابات جلوگیری کند اینکار بعمل آمد و اکنون تمام مذاکرات نمایندگان راجع باین قانون از مذاکرات مجلس شماره ۱۹۴ صفحه ۶۳۹ بعد نقل میشود :

من مذاکرات نمایندگان

### در باره طرح تحریم انتخابات

- نایب رئیس - فوریت مطرح است .
- شهاب فردوسی - وزیر کشور نیست نمیشود این طرح را مطرح کنید .
- حاذقی - بوزارت کشور مربوط نیست این يك عمل منفی است .
- هاشمی - کار انتخابات مربوط بخود مجلس است مربوط بوزارت کشور نیست .
- دشتی - امضای آقای تهرانی هم هست که قرائت نشد .
- نایب رئیس - عده امضاها ۱۵ تا که باشد کافی است دیگر ضرورتی ندارد فوریت اول مطرح است آقای فرهودی .
- فرهودی - بنده موافقم اگر مخالفی صحبت کرد آنوقت بنده صحبت میکنم .
- نایب رئیس - آقای محمد طباطبائی .
- محمد طباطبائی - بنده موافقم .
- نایب رئیس - آقای دهستانی .
- دهستانی - موافقم .
- نایب رئیس - آقای روحی مخالفید !

روحی - موافقم .

نایب رئیس - آقای شریعت زاده .

شریعت زاده - بنده موافقم .

نایب رئیس - آقای اردلان .

اردلان - موافقم .

نایب رئیس - آقای شهاب فردوسی .

شهاب فردوسی - این طرح در واقع يك چیزی است که ما میخواهیم تصویب بکنیم که دوره چهاردهم وقتی تمام میشود يك ماه بعد از دوره ۱۵ انتخاباتش آغاز بشود یعنی معنایش این است (اردلان - اینطور نیست آقا) ... اجازه فرمائید (همیشه نمایندگان) .

نایب رئیس - خواهش میکنم آقا رعایت سکوت و نظم را فرمائید (صحیح است) و درین صحبت ناطق صحبت نکنند ایشان صحبت هایشان را که کردند هر کس که مخالف است بیاید صحبت کند .

محمد طباطبائی - شما هم مواظبت کنید که ایشان راجع فوریت فقط باید صحبت کنند .

نایب رئیس - فرمائید آقای شهاب .

شهاب فردوسی - اگر فرض ما این باشد که انشاءالله قوای بیگانه قبل از آن موقع قرارداد و عهد نامه ای که ما داریم از ایران بروند البته قوتت پیش نمی آید (صحیح است) اما اگر فرض ما این باشد که قوای بیگانه وقتی ایران را تخلیه خواهند کرد که مطابقت داشته باشد با آن تاریخی که در عهد نامه هست و چون دوره چهاردهم هم مقارن همان اوقات تمام میشود بنابراین چون يك ماه بعد انتخابات شروع می شود يك قترتی بیش می آید و در این فاصله که یکماه خواهد بود انتخابات چون شروع نخواهد شد مجلس بلافاصله به دوازده دوره چهاردهم شروع نمیشود و بنا براین این طرح چون مخالفت دارد با قانون اساسی و لازمه اش این است که ما مشروطیت را تعطیل بکنیم (یکی از نمایندگان - نه اینطور نیست) ... چرا وقتی که انتخابات شروع نشد و مجلس هم تمام شد قوتت پیش می آید و مشروطیت تعطیل میشود بنا براین این يك امری است که در حقیقت مباینت دارد با قانون اساسی و ما میخواهیم این طرح را بگذرانیم بدون اینکه هیچ مطالعه کرده باشیم در این قسمت و از طرف دیگر آقایان مقصودشان این است که روزیکشنبه فرمان انتخابات هم صادر بشود و معینا این طرح را ما تصویب بکنیم و انتخابات را يك ماه دو ماه یا هر چه لازم باشد به تعویق بیندازیم برای اینکه فرمان که صادر شد بلافاصله انتخابات شروع نمیشود انتخابات سه ماه مانده باخرد دوره چهاردهم شروع می شود بنابراین این طرح که کمال اهمیت را دارد در سر نوشت ما، بنده مخالفم که ما بیاییم بدون فکر و با عجله آن را تصویب بکنیم .

نایب رئیس - آقای طباطبائی .

محمد طباطبائی - عرض کنم که از مقام ریاست هسانطوری که شما اخطار لازمی و تذکر لازمی دادید که مراعات نظم را بکنیم ما هم حق داریم که از ایشان استندعا بکنیم که در صحبت ها هم مواظبت فرمائید که فقط مطابق ترتیب و نظامنامه صحبت بشود (صحیح است) الان فوریت لایحه ای مطرح است اگر کسی مخالف با فوریت است میتواند حرفش را بزند و استدلال بکند ولی بنده در صحبت های آقا ندیدم که با فوریت لایحه چندان مخالفتی داشته باشند و خودشان هم ضمنا کمال اهمیت این لایحه را تصدیق کردند و فرمودند

که مطالعه نشده، برضتان رسید که متجاوز از ۸۰ نفر نماینده مجلس این طرح را امضاء کرده اند و میتوانم عرض بکنم که تا حال سابقه نداشته است يك همچو تصمیم قاطعی با مطالعاتی که از شش ماه پیش تا حالا شده است و همه آقایان شاهد هستند (صحیح است) مجلس شورای ملی تقدیم شده است (صحیح است) آقایان برای حفظ مصالح عمومی مملکت برای رعایت تمام اطراف و جوانب مسئله و رعایت نزاکت کامل که ما معتقد هستیم و عقیده داریم و استدعا میکنیم که مطالبی که پیش هم محرز است اینجا نگوئید تا ماها در مقام جواب بر نیائیم اهمیت مطلب بقدری است که خود آقا تصدیق کردید که کاملاً اهمیت دارد فرمودند مطالعه. ششماه است که آقایان نمایندگان در جلسات خصوصی، در خارج مجلس، در داخل مجلس در این باب مذاکره کردند، مشورت کردند و يك لایحه جامع الاطراف با مطالعه کامل بمجلس شورای ملی تقدیم شده است و من میدانم که قلباً و باطناً هیچکدام از آقایان مخالف نیستند و خود آقایان شاهدید که اگر يك عده خیلی خیلی از آقایان امضاء نکرده اند این طرح را برای این است که صحبت زیاد تر با آن هفت هشت ده نفر نشده است و الا ما همه میدانیم که این آقایان نماینده مجلس هستند، ایرانی هستند و پاینده و معتقد و علاقمند بمصالح مملکت هستند و اینهم يك کاری است صرفاً مربوط بکار داخلی مملکت و مربوط بخود ملت ایران (صحیح است) و این تصمیم که گرفته شده است بدون هیچ نظراتی، یعنی وقتی بگوئیم قشون بیگانه یعنی مربوط بقشون امریکا، انگلیس و روس (صحیح است) تمام قشون خارجی که در اینجا هستند وقتی خاک ما را بالتمام تخلیه کردند و یکماه از تخلیه گذشت انتخابات دوره پانزدهم با اطمینان خاطر و با آزادی خاطر شروع و انجام خواهد شد و فترتی هم پیش نیاید (جمعی از نمایندگان - رأی رأی)

نایب رئیس - رأی میگیریم بفوریت اول این طرح آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. فوریت دوم مطرح است مخالفی نیست؟ (جمعی از نمایندگان - رأی رأی) رأی میگیریم بفوریت دوم این طرح آقایان موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. اصل ماده مطرح است آقای هاشمی ماده واحده را قرائت فرمایند.

جمعی از نمایندگان - احتیاجی بنخواندن نیست.

نایب رئیس - آقای دشتی.

دشتی - بنده موافقم بعد از يك مخالف صحبت میکنم.

نایب رئیس - آقای طباطبائی.

طباطبائی - بنده موافقم.

نایب رئیس - آقای فولادوند.

فولادوند - موافقم.

نایب رئیس - آقای رحیمیان شما مخالفید؟

رحیمیان - بلی.

نایب رئیس - فرمایند.

رحیمیان - این طرح ظاهرش طوری است که البته کسی که مخالفت میکند اظهار خواهند کرد و خواهند گفت که آقا موافق بماندن قشون اجنبی است در صورتیکه اولین کسی که در این مجلس راجع بر قشون خارجه و بیگانه از کشور ایران صحبت کرده است بنده بوده ام (اردلان - شما دوم کس بوده اید؛ بنده اول بوده ام) (خننده نمایندگان) و هیچ

استادان و محققان  
ع- نیکو انجمنی

شخصی که شرافت داشته باشد و خون ایرانیّت داشته باشد با بودن قشون اجنبی در خاک خودش موافق نیست (صحیح است) و این مخالفتی که بنده می‌کنم روی یک دلالی است که می‌خواهم عرض آقایان بر-انم و تاریخ در آینه قضاوت کند. از ظاهر این طرح چنین استنباط میشود و چنین فهمیده میشود که در دوره چهاردهم قشون اجنبی در امور راجع با انتخابات عده ای از نمایندگان دخالت داشته است و آقایان تصدیق میکنند که این دخالت قشون اجنبی اگر جوده است بدست خود آنها بوده است و بدست ایرانی انجام شده است و اگر ما بخواهیم حقیقت قضیه را رسیدگی کنیم و آن اشخاصی را که تحت تأثیر اجنبی فرار گرفته و تحویل کردند بیک عده را بجلسه ایّت مجارائی برای آنها فائل شویم محتاج به این طرح نیستیم و آن دولت و آن اشخاصی که تحت حوزّه و تحت تأثیر اجنبی واقع شدند و در اینکار دخالت پیدا کردند الان تمام آنها راست راست قدم میزنند و از آنها قدردانی هم میشود (مدکار - اکثریت هم از آنها پشتیبانی میکند) برای اینکه ما بخواهیم با این کار موافق نباشیم یعنی بخواهیم کسی تحت تأثیر اجنبی واقع نشود امروز ما بایستی عده ای را تحت محاکمه و مجازات بکشیم و بلکه اعدام کنیم، اگر ما این کار را می‌کردیم امروز محتاج باین طرح نبودیم (صحیح است) و هر کسی و طیفه خودش را میداند و بوظیفه خودش عمل میکرد حالا آمدیم این طرح باین طریق مورد تصویب آقایان واقع شد و گذشت ولی ما میخواهیم راجع بخودمان صحبت کنیم، راجع بوضعیت نمایندگان ضلی صحبت کنیم بنده راجع برآورداد مرحومه فروغی داخلی بحث می‌شوم که آیا بنفع ایران بوده است یا بضرر ایران بوده است تاریخ قضاوت خواهد کرد (یکی از نمایندگان - این پیمان بنفع ایران بوده است) ولی وضعیت تثبیت دوره سیزدهم بنفع ایران بوده الان هم دلبستی را عرض میکنم فقط استدعا میکنم که من بجهت خارج از نزاکت صحبت نمیکنم و سن اجازه میدهد که من دلایل خودم را عرض بکنم (مهندس ضابطائی - از موضوع خارج نشوید آقای رحیبان) برای اینکه نظر ملت ایران این بود که چون اینها اشخاصی بودند که در دوره دیکتاتوری انتخاب شده بودند ما آنها مخالف بودیم و مرحومه فروغی آورد این را تثبیت کرد و نمایندگان مجلس هم بنفع دوره آتیه و بنفع دوره چهاردهم دولتی آوردند روی کار و اشخاصی را در حوزه انتخابیه خودشان فرستادند و از قدرت دولتی که بدست آنها روی کار آمده بود بنفع خودشان استفاده کردند (هاشمی - پس چرا صدی شصت آنها انتخاب شده اند) ... و این بدعت بدی بود که مثلا این نظر در دوره چهاردهم هم باقی است و کسی میتواند ادعا بکند از نمایندگان معترم که راجع با انتخابات اساتذها و فرماندارها و مأمورین حوزه انتخابیه خودش دخالتی نکرده است؟! (هاشمی - بنده) (مدکار - بنده ولی ۲۰ خریشتر نیستیم) .

پس در این صورت این قدرت و این بدعت بدی که ایجاد شده است این بنفع نمایندگان معترم و بنفع انتخاباتی آنها انجام خواهند شد و امروز این وضعی که پیش آمده است و این رویه ای که پیش آمده است و این رویه ای که ما پیش گرفته ایم بقیه بنده این رویه بنفع ملت ایران که میخواهند آزادانه و کبیل انتخاب کنند نیست (چندی از نمایندگان - جکس است) (بینی - عقیده که آزاد است) ... بنده که اینجا صحبت میکنم نام یک فردی از افراد این کشور صحبت میکنم، من میگویم آقا قشون خارجی باید برود و در بودن قشون خارجی نباید انتخابات بشود ولی ما از دست شما هم باید خلاص بشویم (بینی استغدیاری - از دست خودمان خرمائید) ... وضعیت شما را هم باید در نظر بگیریم یا نه؟ آن بجای خودش محفوظ ولی راجع بخودمان هم باید صحبت کنیم و حالا این طور بنده پیش بینی میکنم و عقیده

خودم را اینطور اظهار میکنم با این اعمال نفوذی که ما در حوزه انتخابات خودمان میکنیم یا میکنند و این قدرت هم بدست و کلا است و مردم هم نومقابل این قدرت حق ایستادگی ندارند و نمیتوانند ایستادگی کنند بنا بر این اگر حقیقتاً ما مایل هستیم بکشور خدمت کنیم و مایل هستیم خودمان را بنفع کشور فدا کنیم و در دوره چهاردهم هم که بتصدیق آقایان و به تصدیق ملت ایران ما برای کشور کاری نکرده ایم پس در اینصورت برای اینکه بدعت بدی که گذاشته شده راجع باعمال نفوذی که و کلا میکنند و راجع برویه اینکه در دوره ۱۴ اتخاذ شده است بنده پیشنهاد میکنم در این طرح يك تبصره ای اضافه شود که و کلا دوره چهاردهم از انتخابات دوره پانزدهم محروم باشند (احسن است - صحیح است) (دکتر کشاورز بسیار صحیح است) - احسن است (همه نمایندگان) (بین اسفندیاری - آفرین) -

نایب رئیس - خواهش میکنم بگذارید صحبتشان را بکنند بفرمائید آقا.

رحیمیان - ... بنده برای چه این پیشنهاد را میکنم؟ برای اینکه این پیشنهاد را که میکنم قدرت مملکت دست این و کلا است و این و کلا بنفع خودشان همه کار میکنند (بین اسفندیاری - پس بفرمائید ما و کلا) ... ما و کلا، اگر ملت ایران بخواهد از این قدرت و از این بدعت بد جلوگیری کند دوره حل در نظر است البته با وضع فعلی من طرفدار انقلاب نیستم، یکی یا انقلاب که قدرت را از دست این مجلس بگیرد و بتواند آزادانه برای خودش و کیل انتخاب بکند یا اینکه خود آقایان و کلا این فداکاری را بکنند چون عقیده بنده در انقلاب نیست و عقیده بنده بر این است که اگر چنانچه ما میخواهیم حقیقتاً برای کشور فداکاری کنیم و این طرح از صمیم قلب برای ملت ایران است و خود ما هم که گفته ایم که در دوره چهاردهم خدمتی نکرده‌ایم و ملت ایران هم که از انتخابات ما در این دوره منزجر و متفر است، بهتر این است که ما در این دوره فداکاری بکنیم و خودمان هم انتخاب نشویم (دکتر کشاورز - احسن است) (بین اسفندیاری - احسن است، احسن است) -

هاشمی - آقای رئیس بعنوان ماده ۱۰۹ بنده اخطار نظامنامه دارم.

نایب رئیس - چه اخطاری؟

هاشمی - آخر اینها چه حرفهایی است که آقای رحیمیان میفرمایند!!

نایب رئیس - خیر آقا، اخطار شما وارد نیست آقای دشتی بفرمائید.

هاشمی - اخطار بنده مقدم است.

نایب رئیس - آقا اخطار شما وارد نیست بنده با اخطارهای غیر وارد اجازه

نمی‌دهم.

هاشمی - آقایان مجلس اهانت شده است یا خیر؟

نایب رئیس - خیر آقا چه اهانتی شده است بفرمائید آقای دشتی.

دشتی - عرض کنم چند کلمه است که مقدمه عرض میکنم آقای هاشمی برای اینکه آرام شوند، عرض کنم يك چیزی که حتماً در آقای رحیمیان اینست که ایشان مرد خوش نیتی هستند و ابداً نظر بدی ندارند (صحیح است) و حرفهایشان مبني بر سوء نظر نیست، حالاً ممکن است در بعضی از حرفهایشان قدری اشتباه بکنند آن چیز دیگر است، چون ایشان مرد وطن پرستی هستند و اگر اجازه بفرمائید همین موضوعی را که گفتند من جواب ایشان را عرض کنم اولاً راجع بدوره سیزدهم صحبت کردند تثبیت دوره سیزدهم بعقیده ما یعنی انکار مرحوم فروغی بعد از دوره دوازدهم، در آن دوره يك هیجان و عصیانی در جامعه ایران بر ضد مجلس سیزدهم بود و هر چند در مجلس سیزدهم چندین جلسات شد و مرحوم فروغی جدیدت -

کرد که راه قانونی برای اینکار پیدا کند که انتخابات دوره سیزدهم را لغو کننده راه قانونی پیدا نکردند و بنا بر این انتخابات دوره سیزدهم را لغو نکردند و دوره سیزدهم باقی ماند اما يك نکته ای که اشاره فرمودید که و کلاه مداخله در انتخابات میکنند و استاندار برای خودشان معین میکنند بنوعی دلیل بنده روستان میکنم یکی اینکه بوجوب همین طرح و کلا از مداخله معروم خواهند شد برای اینکه وقتی مجلس تمام شد ما دیگر مداخله نمیتوانیم بکنیم **فداکار** - استاندارها را درست کرده اند!

**دشتی** - پس بنا بر این نظر شما بطور اتم و اکمل تأمین میشود برای اینکه اگر ما و کلا میخواستیم اختلال بکنیم نبایستی این طرح را تصویب کنیم پس ما و کلا نمیتوانیم مداخله کنیم این یکی، یکی دیگر که خیلی هم اهمیت دارد اینست که شما یا هر دولتی اگر مداخله بکند و هر و کیلی اعمال نفوذ بکند غیر از این است که اجنبی مداخله بکند، ما در اینجا در مقابل يك امر علی واقع شده ایم و آن مداخله و نفوذ اجانب است و بالاخره بهمان نیت باك و شریفی که شما دارید تا قشون اجنبی در خاک مقدس ماست نباید انتخابات شروع بشود و بعد راجع باینکه اعمال نفوذ بشود یا نشود بقیده بنده هم البته باید سعی کرد که اعمال نفوذ نشود حتی ممکن است که این لایحه را وقتی که تمام کردیم بنشینیم و قانون انتخابات را اصلاح بکنیم و بنظر من اکثریت قاطع مجلس با اصلاح قانون انتخابات کاملاً موافق است (صحیح است) دوم اینکه ممکن است ما يك هیئت پنج شش نفری از مردمان درست مملکت خودمان معین بکنیم که نظارت در امر انتخابات داشته باشند و ما همانطور که لایحه نفت را تصویب کردیم این لایحه را هم باید تصویب کنیم برای مصالح مملکت.

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است.

**دکتر کشاورز** - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

**اردلان** - آقا بنده پیشنهاد کرده ام.

**نایب رئیس** - با کفایت مذاکرات مخالفت تان را بفرمائید، آقای دکتر کشاورز (همیشه نباید گان) آقایان اجازه بدهید من که بندهستم مجلس را اداره کنم بنده که مخالف نظامنامه کاری بکنم، بفرمائید آقای دکتر کشاورز.

**دکتر کشاورز** - آقای دکتر مصدق در جلسه قبل فشار غیر قانونی را که اکثریت بر روی اقلیت در مجلس شورای ملی وارد میآوردند کردند و اینکه اکثریت بهیچوجه نمیتواند با اقلیت مجلس شورای ملی همکاری کند (همیشه نباید گان) (معهده طباطبائی - این از آن موارد نیست اینجا اقلیت و اکثریتی در کار نیست) من یک نفر در مجلس شورای ملی بانام هو و جنجال های شما می ایستم و صحبت خودم را میکنم و اگر بنا بشود کسه از اینجا بیرون رفته مرا بکشند حرفی را که بقیده من بصلاح مملکت و ملت است من اینجا خواهم زد.

**نایب رئیس** - آقای دکتر من شما اجازه داده ام که صحبتتان را بکنید.

**دکتر کشاورز** - آقایان نمایندگان طرحی را بامضای بانج بر ۷۰ نفر (یکی از نمایندگان - ۸۰ نفر) مجلس شورای ملی آوردند، گیرم که تمام شما با این طرح موافق باشید اگر یک نفر در مجلس شورای ملی با این طرح مخالف است اگر انسان هستید اگر مردم و کرات هستید باید اجازه بدهید صحبت کند (بین اسفندیاری - توهین نکنید) توهین نکردم آقای بین اسفندیاری شرط گذاشتم روی این هیئت (یکی از نمایندگان - راجع بکفایت مذاکرات حرف بزنید) باید اجازه بدهید که اقلاً یک نفر مخالف پشت تریبون حرف خودش را بزند



برای اینکه ملت ایران بداند یکروز ممکن است که شماها اشتباه بکنید، یکروز در همین مجلس (یعنی اسفندیاری - آقا شما توهین میکنید) (دکتر طاهری - آقای یمن چرا نمیکندارید حرفتان را بزنید) (یعنی اسفندیاری - شما حق ندارید تشریف بزنید).

نایب رئیس - چرا ساکت نیشوید آقا؟ شما هیچ بآئین نامه احترام نی گذارید !!

یمن اسفندیاری - وقتی من میخونم که میگویند «اگر انسان هستید» قطعاً نمیتوانم بآئین نامه احترام بگذارم.

نایب رئیس - آقای دکتر صبر کنید تا ماده نظامنامه را بخوانند بعد بفرمائید. ماده ۱۰۹. اگر در ضمن مباحثات و نطق افترای و تهمت بیکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار نظر برخلاف واقع جلوه داده شود نماینده مذکور برای تهرمه و رفع اشتباه اجازه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد.

نایب رئیس - اگر یکی از نمایندگان افترا می زده شده است حق دارد صحبت کند و الان در بین صحبت ناطق کسی حق ندارد صحبت کند اگر آقایان میخواهند مجلس منظم باشد باید رعایت نظامنامه را بکنند. بفرمائید آقای دکتر.

دکتر کشاورز - آقایان نمایندگان من تصور نمیکنم که هیچ ایرانی با شرفی، هیچ ایرانی که این افتخار را بخودش میدهد که اسم ایرانی روی خودش بگذارد قبول بکند که در مملکت او قشون اجانب حتی متفقینش باشند، وجود داشته باشد و من آن کسی را که طرفدار اقامت قشون اجنبی در ایران باشد چنانکه در دفعه قبل در مجلس گفتم آدم بی شرف و بیستی میدانم (صحیح است) نه تنها کسی را که وجود قشون اجنبی را در ایران لازم میدانند بی شرف میدانم بلکه هر کسی را که برخلاف مصالح مملکت و مدت و ملت با اجانب سروسری داشته باشد از آنها پول بگیرد و در این مجلس هم هستند و نوکرو مزدور آنهاست او را هم بی شرف میدانم (صحیح است) و هستند در این مملکت از ۱۵۰ سال قبل خانوادههایی که آنها مزدور اجنبی هستند.

نایب رئیس - آقای دکتر از موضوع خارج نشوید.

دکتر کشاورز - آقای ملک مدنی اگر اکثریت مجلس اجازه بدهد من بعنوان مخالف با این طرح صحبت بکنم صحبت میکنم، اگر اجازه ندهد از اینجا میروم.

نایب رئیس - صحبتتان را بفرمائید اما از موضوع لایحه خارج نشوید.

دکتر کشاورز - این مطلب مربوط ب لایحه است، شما این جا طرحی میکنید و این که ناقشون متفقین ما از ایران خارج نشوند انتخابات دوره پانزدهم انجام نگیرد بنابراین اجازه بدهید که من اول رابطه مان را با متفقینان روشن بکنم بشت این تریبون و از آن استدلال و استفاده بکنم برای اینکه بگویم این طرحی را که شما پیشنهاد میکنید صلاح مشروطیت و ایران نیست. نظر شخص من این است آقایان ۸۰ نفر هستید، رأی میدهید و این طرح تصویب میشود و در این مجلس شورای ملی ایران سابقه دارد که رای هائی داده شد و بعد از بیست سال یک نفر که با آن طرح مخالف بود ملت ایران او را شناخت که حق با او بوده است و بعد از بیست سال دیگر هم آقای طباطبائی ملت ایران قضاوت خواهد کرد که کدامیک از من و شما خیانت میکنیم یا من خیانت میکنم، یا شما خیانت میکنید. بعد از تفکر این مطلب که بهیچوجه هیچ ایرانی با شرف که من هم با جرئت خودم را یک ایرانی با شرف میدانم موافقت با این نخواهد کرد که قشون اجنبی حتی متفقین مادر ایران باقی بمانند، اجازه بدهید

من يك خورده راجع بروابطمان بامنتقینان صحبت کنم (معمد طباطبائی - آقا این مطرح نیست همیشه نمایندگان) ... کادلا مطرح است اجازه بدهید من يك خلاصه راجع بروابط بامنتقین صحبت کنم من قبل از همه چیز برای اینکه مختصر صحبت کنم و میدانم که آقایان هم عجله دارند ..

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات صحبت بکنید بدهم نوبت شماست آنوقت اگر موافقت کردند شما صحبتتان را بکنید .

دکتر کشاورز - دريك مجلس مشروطه تا يك نفر بايك لايعه بايك طسرحی مخالف اساسی میکند شما حق ندارید رأی بگیریید شما چرا دهن اظليت را می بندید .

طباطبائی - نوبت یا ایشان نیست .

نایب رئیس - رأی میگیریم .

دکتر کشاورز - رأی بگیریید آقا منکه مخالفت میکنم با این طرح اگر مرا اجنبی پرست میدانید مرا رسوا کنید چرا نمیگذارید من حرف خودم را بزنم !! ...

نایب رئیس - آقای دکتر کشاورز این صحبتها خارج از موضوع است چرا حرف اجنبی پرستی میزنید !

دکتر کشاورز - من میزنم برای این که این افکار در کله بعضی از نمایندگان مفرض هست .

نایب رئیس - این فکرها نکنید درباره کسی جنابالی که يك دکتر تحصیل کرده هستید چرا این حرف را میزنید .

طباطبائی - رأی بگیریید رأی مجلس قاطع است .

دکتر کشاورز بالای رأی مجلس اصول مشروطیت است . آقای ملک مدنی امر میفرمائید من میروم شما جای رئیس نشسته اید بیطرف باشید تصدیق میکنید که باید بگذارید بکنفر مخالفت بکند .

نایب رئیس - من موافق بنده از مجلس خواش میکنم که موافقت بفرمائید ایشان مخالف هستند نوبت آقا هم هست اجازه بدهید عنوان مخالف ایشان حرف هایشان را بزنند بعد آقایان دیگر صحبت بکنند (بفرمائید - بفرمائید)

بهبهانی - بنده پیشنهاد کفایت مذاکرات را کردم و حاضر هستم که بگویم چرا رأی بر کفایت مذاکرات دادم و حالا هم مجلس رأی می دهد که ایشان صحبت کنند اما حقش این است که بخود مردم و مجلس و سابقه و بلاخره مردم کار نداشته باشند راجع باین قضیه که مطرح است صحبت کنند آیا این قضیه را قبول دارند یا نه دلایلشان چیست بگویند و بروند .

نایب رئیس - آقایان موافقت کنند، نوبت ایشان هم هست صحبتشان را بکنند (بفرمائید) اما آقای دکتر راجع بسائل دیگر صحبتی بفرمائید اساساً این افکاری که در مجلس پیدا شده است که ماداماً اسم پاشی می کنیم خودمانرا ملوک می کنیم این قلط است بنده که وظیفه خدمتگزاری دارم و از طرف شما انتخاب شده ام عرض میکنم که نسبت یکدیگر این همه اهانت نکنیم، اجنبی پرستی در این مجلس نیست امدهواریم که هیچوقت این حرف ها را نفرمائید .

دکتر کشاورز - اهانت نشده است اما برای اینکه مختصر صحبت کرده باشم ابتدا روابط خودمانرا با مثل متعدده امریکا عرض میکنم و عرض میکنم که بقیده من هر ایرانی